

به نام یزدان پاک

دایره المعارف تحلیلی حقوق

دکترین حقوق

متون فقه

تالیف و تحلیل و تحقیق

گروه مولفین پردازش

جدول جامع تحلیل فراوانی مباحث متون فقه بر اساس آزمون‌های دکتری ۶ سال اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) و تطبیق با ساختار کتاب دکترین حقوق

ردیف	بخش و سرفصل تفصیلی کتاب دکترین حقوق	مباحث کلیدی و متون امتحانی شاخص	فراوانی سنواری آزمون (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)	مجموع تکرار	ضریب اهمیت و اولویت مطالعاتی
۱	بخش اول: کتاب البیع و المتاجر (مکاسب و شرح لمعه) ۱.۱ حقیقت بیع، معاطات و اسباب لزوم ۱.۲ شروط متعاقدين، اهلیت و احکام جامع اکراه ۱.۳ بیع فضولی و احکام تفصیلی اجازه و رد ۱.۴ شرایط عوضین و اقسام زممانی و معاوضی بیع	• تعریف بیع (تملیک عین به مال) و عدم وقوع بیع بر منافع • لزوم معاطات با تلف عینین یا احد العوضین و نقل ملک • تأثیر تصرفات مادی (طحن، عجن، خیاطت) و تصرفات ناقل (وقف، بیع) • اکراه عاقد دون الم مالک («بیع مالمالی و الا قتلتک»)، اکراه بحق و تخییری • ادله صحت فضولی، بیع الغاصب لنفسه، رد فعلی و انتزاع مبیع • آثار کشف و نقل بر نماءات متصل و منفصل مبیع و ثمن • بیع سلف (حلول با موت بایع)، بیع صرف و تقابض مجلس، بیع العینه	• ۱۴۰۰: ۳ سؤال • ۱۴۰۱: ۶ سؤال • ۱۴۰۲: ۵ سؤال • ۱۴۰۳: ۷ سؤال • ۱۴۰۴: ۵ سؤال • ۱۴۰۵: ۶ سؤال	۳۲	بسیار بالا (رتبه ۱) هسته بنیادین آزمون و بالاترین حجم تکرار مستقیم متون مکاسب و لمعه

ردیف	بخش و سرفصل تفصیلی کتاب دکتـرین حقوق	مباحث کلیدی و متون امتحانی شاخص	فراوانی سنواتی آزمون (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)	مجموع تکرار	ضریب اهمیت و اولویت مطالعاتی
۲	بخش دوم: کتاب الخیارات و احکام شروط ضمن عقد ۲.۱. خیارات زمانی، حکمی و ارادی ۲.۲. خیارات مبتنی بر عیب، غبن، رؤیت و تبعض ۲.۳. احکام شروط ضمن عقد در مکاسب	• خیـار مجلس، خیـار حیوان، تأخیر ثمن و مسقطات آن • خیـار رؤیت در مبیع معین غائب و تخلف وصف مشروط • خیـار غبن و غبن حادث بدون خدعه، خیـار عیب و مسقطات رد/ارش • خیـار تبعض صـفقه در بیع منضم مال خود با مال غیر • اقاله در زمان خیـار و عدم دلالت بر التزام • ضوابط شروط سائغ و شرط خلاف مقتضای عقد	• ۱۴۰۰: ۲ سؤال • ۱۴۰۱: ۳ سؤال • ۱۴۰۲: ۳ سؤال • ۱۴۰۳: ۴ سؤال • ۱۴۰۴: ۴ سؤال • ۱۴۰۵: ۳ سؤال	۱۹	بسیار بالا (رتبه ۲) پیوند ارگانیک با قواعد عمومی قراردادهـا و دارای بالاترین نرخ نمره تراز
۳	بخش سوم: عقود توثیقی و تعهدی در فقه شرح لمعه ۳.۱. کتاب الرهن	• تعریف رهن، بطلان توقیت در رهن («شرط کونه مبیعاً عند الاجل»)، رهن مستعاره • ارکان ضمان، ضمان عهده ثمن و درک ما یحدثه	• ۱۴۰۰: ۴ سؤال • ۱۴۰۱: ۳ سؤال • ۱۴۰۲: ۳ سؤال	۱۹	بسیار بالا (رتبه ۳) مسائل چالشی و پرتکرار، مبتنی بر حل تعارض اصول عملیه و فروض دقیق

ردیف	بخش و سرفصل تفصیلی کتاب دکتـرین حقوق	مباحث کلیدی و متون امتحانی شاخص	فراوانی سـنـواتی آزمون (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)	مجموع تکرار	ضریب اهمیت و اولویت مطالعاتی
	۳.۲ • کتاب الضمان ۳.۳ • کتاب الحواله ۳.۴ • کتاب الکفالة	المشتري، ترامي و تسلسل • ارکان حواله، حواله بر بری، عدم لزوم رضای محیل در تبـرـع محال علیه، تعارض اصل و ظاهر در اشتغال ذمه • حقیقت کفالت، لزوم حضور مکفول، برائت کفیل با فوت مکفول و انکار حق	۳: ۱۴۰۳ • سؤال ۳: ۱۴۰۴ • سؤال ۳: ۱۴۰۵ • سؤال		
۴	بخش چهارم: عقود خدماتی، معاوضی و اذنی ۴.۱ • اجاره، جعاله، قرض، صلح	• اجاره اعیان و اشخاص، بقای اجاره با موت، ظهور عیب در اجرت کلی/معین، استیفای منفعت بنفسه • جعاله با عوض مجهول («من خاط ثوبی فله مال»)، تعدد عوامل در عمل تکرارپذیر • تخلص از ربا در اقراض، عدم لزوم شرط اجل در عقد جایز قرض، اثر قبض در تملک قرض • صلح بر اسقاط حق سوگند در	۳: ۱۴۰۰ • سؤال ۴: ۱۴۰۱ • سؤال ۲: ۱۴۰۲ • سؤال ۳: ۱۴۰۳ • سؤال ۲: ۱۴۰۴ • سؤال ۳: ۱۴۰۵ • سؤال	۱۷	بالا (رتبه ۴) سؤالات ترکیبی با مسئولیت مدنی و قواعد عمومی تعهدات

ردیف	بخش و سرفصل تفصیلی کتاب دکتـرین حقوق	مباحث کلیدی و متون امتحانی شاخص	فراوانی سـنـواتی آزمون (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)	مجموع تکرار	ضریب اهمیت و اولویت مطالعاتی
		دعوای تهمت، صلح در تلف مال قیمی			
۵	بخش پنجم: عقود امانی و مشارکتی • ۴.۲ مضاربه، ودیعه، عاریه، شرکت، مزارعه	• مضاربه: خرید عامل در ذمه بدون اذن، شرط مدت و لزوم، عدم جواز خرید از رب المال • ودیعه: نهی مالک از انفاق به حیوان و دیعه‌ای، دفاع از مال، حکم قبض و رد پس از فوت مودع • عاریه: حکم تلف عین معاره بر اثر استعمال متعارف، عاریه للرهن، تجاوز از منفعت معین • شرکت: شرکت عنان، بطلان شرط عدم تساوی در سود، حیات و امتزاج در اعیان • مزارعه: اختیار نوع زراعت در فرض اطلاق، بطلان مغارسه، حکم فوت عامل	• ۱۴۰۰: ۴ سؤال • ۱۴۰۱: ۳ سؤال • ۱۴۰۲: ۴ سؤال • ۱۴۰۳: ۲ سؤال • ۱۴۰۴: ۳ سؤال • ۱۴۰۵: ۳ سؤال	۱۹	بسیار بالا (رتبه ۵) محور پرسش‌های متنی عمیق با تمرکز بر تعارض شروط با مقتضای عقد
۶	بخش ششم: ابواب تکمیلی فقه معاملات، وثایق قضایی و خانواده	• وکالت: اطلاق در ثمن المثل، فسخ با موت متفقین، تصدیق غریب و شهادت بر وکالت	• ۱۴۰۰: ۵ سؤال • ۱۴۰۱: ۶ سؤال	۲۶	بسیار بالا (رتبه ۶) بخش قطعی و پایانی آزمون با

ردیف	بخش و سرفصل تفصیلی کتاب دکتورین حقوق	مباحث کلیدی و متون امتحانی شاخص	فراوانی سئوالات (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)	مجموع تکرار	ضریب اهمیت و اولویت مطالعاتی
	۴.۳. وکالت، هبه، وقف، وصایا، شفعه، خلع، عیوب نکاح و قضا	• هبه: شرطیت قبض، تنزیل موت متهدب منزله تصرف، نماءات در رجوع، هبه نصف مشاع مهر • وقف: صحت وقف مشاع و عدم لزوم اذن شریک در تخلیه، بیع وقف در فرض خرابی • وصایا: لزوم عدالت وصی، رجوع فعلی با خلط و طحن، حکم ظن قله ترکه • شفعه: عدم سقوط با هبه، مهلت احضار ثمن، ثبوت شفعه برای مفلس • احکام مالی طلاق خلع و کراهت زوجة، خیارات عیوب نکاح، قواعد حل تعارض دعاوی مالی	• ۱۴۰۲: ۴ سؤال • ۱۴۰۳: ۳ سؤال • ۱۴۰۴: ۴ سؤال • ۱۴۰۵: ۴ سؤال		تمرکز ویژه بر پیوند ادله فقهی با مواد قانونی حقوق خانواده و ادله اثبات

جدول اولویت بندی راهبردی فصول جهت برنامه ریزی مطالعاتی رتبه برتر

رده اولویت	عنوان بخش و محورهای متنی	سهم نسبی در بودجه بندی آزمون	توصیه های کلیدی مطالعه و مهارت های آزمون
اولویت اول	بخش اول (البیع و المتاجر) و بخش دوم	۳۸٪ کل	• تسلط کلمه به کلمه بر نصوص استدلالی مکاسب در

رده اولویت	عنوان بخش و محورهای متنی	سهم نسبی در پودجه بندی آزمون	توصیه های کلیدی مطالعه و مهارت های آزمون
(بسیار حیاتی)	(الخيارات و الشروط)	سوالات	تعاریف، اکراه عاقد/مالک و رد فعلی فضولی • تمرکز کامل بر ضوابط تلف عوضین در معاطات و فرمول محاسبه نساءت در نظریه کشف و نقل
اولویت دوم (حیاتی و رتبه ساز)	بخش سوم (عقود توثیقی و تعهدی: رهن، ضمان، حواله، کفالت)	۱۴٪ کل سوالات	• توجه به وجوه افتراق حواله بر بری و ضمان، ادله اشتراط یا عدم اشتراط رضای محال علیه و محیل • تسلط بر احکام ضمان درک اعیان و منافع و ضمان ما کم یجب
اولویت سوم (تثبیت کننده تراز)	ابواب تکمیلی معاملات (وکالت، هبه، وقف، وصیت، شفعه، دعاوی مالی)	۱۹٪ کل سوالات	• تمرکز بر احکام مسقطات رجوع در هبه (تنزیل موت منزله تصرف) • تسلط بر ضوابط ترجیح بینة و سوگند در تعارض دعاوی ملکیت و تصرف در کتاب القضاء
اولویت چهارم (جامع نگری)	عقود خدماتی، اذنی و مشارکتی (اجاره، جعاله، قرض، مضاربه، ودیعه، عاریه، شرکت)	۲۹٪ کل سوالات	• تسلط بر استثنائات لزوم و جواز در عقود اذنی و تاثیر شرط مدت بر تصرفات امانی • مهارت های فقهی در تلف بدون تعدی و تفریط در عاریه و ودیعه

مقدمه تحلیلی بر سیر تحول و الگوی مفهومی سؤالات متون فقه آزمون دکتری حقوق (بر اساس

تحلیل تطبیقی شش دوره اخیر و ساختار کتاب دکترین متون فقه پردازش)

تحلیل موشکافانه و مقایسه‌ای دفترچه‌های آزمون دکتری حقوق در بازه شش‌ساله اخیر، مبین دگرگونی بنیادین در الگوی طراحی سؤالات درس متون فقه است. سنجش داوطلبان از بازخوانی محفوظات به سوی تحلیل استدلالی عبارات غامض، تله‌های اصولی، کشف قیود احترازی و ارزیابی عیار اجتهادی تغییر جهت داده است. مطالعه حاضر با تکیه بر ساختار کتاب دکترین حقوق، مؤلفه‌های بنیادین این تحول شش‌ساله را در چهار محور راهبردی کالبدشکافی می‌کند:

۱. کانون‌های تکرارشونده و مباحث با بسامد حداکثری

تحلیل داده‌های آماری نشان می‌دهد که بخش‌های «کتاب‌البيع و المتاجر» و «شروط المتعاقدين» با ۳۲ تست و «عقود توثیقي و تعهدی (ضمان، حواله، كفالت و رهن)» با ۱۹ تست، ستون فقرات آزمون دکتری را در تمام شش سال گذشته تشکیل داده‌اند:

- **حقیقت بیع و ضوابط معاطات:** تعریف فقهی بیع به «إنشاء تمليك عين بمال» و نفی مبیع واقع شدن منافع در کنار جواز ثمن واقع شدن منفعت، در سنوات ۱۴۰۱، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۵ پای ثابت آزمون‌ها بوده است. همچنین اسباب لزوم معاطات بر اثر تلف عین یا تصرفات مادی دگرگون‌کننده (طحن، عجن و خیاطت) و تصرفات ناقل همواره سنجیده شده است.
- **کالبدشکافی احکام اکراه در مکاسب:** تفکیک اکراه عاقد از اکراه مالک با محوریت عبارت مشهور «بيع مالی و إلا قتلک» و انشای حکم به صحت قطعی بیع («والأقوى هنا الصحة»)، در کنار احکام اکراه بر قدر مشترک میان حق و باطل (مانند الزام به ادای دین یا بیع مال)، از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ مکرراً دستمایه طرح پیچیده‌ترین تست‌ها قرار گرفته است.
- **بیع فضولی و منازعه کشف و نقل:** ادله صحت بیع فضولی، شروط اصیل و مجیز، تفکیک رد صریح از رد فعلی (به‌ویژه تعریض مبیع برای فروش با التفات مالک و انتزاع مبیع)، و محاسبه نماءات متصل و منفصل در دوران تخیل، خط ممتد سؤالات شش دوره بوده است.
- **عقود توثیقي و خدماتی:** در الروضة البهية، عقد ضمان با محوریت قاعده رجوع ضامن به اقل الامرین و ادله عدم اشتراط رضایت مضمون‌عنه، عقد حواله به‌ویژه حواله بر بری و تعارض اصل براءة با ظاهر اشتغال ذمه، و کتاب الإجاره در محورهای عیب اجرت کلی و استقرار اجرت‌المسمی با تسلیم عین، بالاترین ضریب حضور مداوم را به خود اختصاص داده‌اند.

۲. چرخش روش‌شناختی طراحان در ادوار متأخر

بررسی توالی سنوات از ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تا ۱۴۰۵-۱۴۰۴ نمایانگر سه دگرگونی عمده در زاویه دید طراحان سازمان سنجش است:

گذر از ترجمه تحت‌اللفظی به استخراج احکام وضعی: در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ عمده سؤالات بر ترجمه عبارات یا کشف مرجع ضمائر تمرکز داشت؛ اما از سال ۱۴۰۲ به بعد، طراحان مستقیماً اثر وضعی کلمات را به آزمون می‌گذارند؛ به عنوان نمونه واژه «جاز» در ابواب معاملات فقهی، دیگر به معنای اباحه تکلیفی نیست، بلکه دلالت بر صحت و نفوذ حقوقی دارد (نظیر «جاز بیعه فی مواضع کثیره» در اکراه بحق در کنکور ۱۴۰۳).

- **طراحی تست‌های ترکیبی و چندمرحله‌ای بر پایه سناریوسازی:** از سال ۱۴۰۳ بدین سو، صورت سؤالات کوتاه به سناریوهای قضایی شامل چند واقعه حقوقی متوالی بدل شده است؛ مسائلی

چون بیع مال خود منضم به مال غیر، قبض فضولی در مال کلی، تلف مصداق قبل از تسلیم، و سرقت نقدینگی پیش از وفای به عهد، با تحلیل قواعد عمومی قراردادها محک می‌خورند.

- **سنجش هم‌ارزی‌های اصولی و قیاس‌های فقهی:** در آزمون‌های متأخر، درک پیوندهای مفهومی مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ نظیر هم‌ارزی «الزام کفایی دو شخص بر فعل واحد» با «اکراه تخییری یک شخص بر دو فعل» که در کنکور ۱۴۰۲ مطرح شد.

۳. تراکم دیدگاه‌های شخصیت‌های فقهی

توزیع آمار سؤالات آشکار می‌سازد که پیکره اصلی متون و آرای فقهی حول دو شخصیت تراز اول شیعه شکل گرفته است:

- **شیخ اعظم مرتضی انصاری (ره):** بی‌گمان مکاسب محرمه، کتاب البیع و کتاب الخیارات شیخ انصاری بالاترین سهم را در نمره تراز داوطلبان داراست. تمرکز سنجش بر آرای تحلیلی و تبارشناسی اقوال شیخ در شروط متعاقدين، ابعاد نیت در معاطات فعلیه، تمایز قصد از رضا در اکراه، ادله صحت بیع الغاصب لنفسه، و تفکیک ظریف اقسام کشف (حقیقی، وصفی و حکمی) است.
- **شهید ثانی (زین‌الدین بن علی عاملی):** در الروضة البهیة، ترجیحات و استدلال‌های انتقادی شارح نسبت به متن اللعة الدمشقیة شهید اول بیشترین بسامد را دارد. گزاره‌هایی که با اصطلاحات اجتهادی نظیر «والأقوی»، «الأصح»، «وهو الوجه» و تعلیقه‌هایی مانند «وفیه نظر» یا «مع احتمال العدم» خاتمه می‌یابند، اولویت نخست طراحان برای استخراج گزینه‌های انحرافی هستند (مانند توقف شهید ثانی در لزوم معاطات بر اثر خیاط و تفصیل در برابر قطعیت لزوم با وقف و بیع).
- **محقق ثانی (علی بن حسین کرکی) و علامه حلی:** دیدگاه‌های محقق ثانی در جامع‌المقاصد پیرامون افاده ملکیت در معاطات و نظریه سلب عبارت صبی، و آرای علامه حلی در تذکره و قواعد در باب خیارات و شروط، به عنوان آرای مبنایی و رقیب شیخ انصاری بارها در متون طرح شده است.

۴. دیدگاه استراتژیک برای برنامه‌ریزی مطالعاتی

داوطلب آزمون دکتری برای دستیابی به تراز برتر، باید رویکرد مطالعه خطی و مسطح را متوقف کرده و بر مبنای جدول اولویت‌بندی کتاب دکترین حقوق، برنامه خود را حول سه محور سامان دهد:

- **محور اول (تسلط کلمه به کلمه بر نصوص استدلالی):** بخش‌های البیع، شروط المتعاقدين و بیع فضولی از مکاسب شیخ انصاری نباید با خلاصه مطالعه شوند؛ داوطلب باید توانایی بازخوانی متن عربی، تفکیک مقدمات برهان خلف شیخ و انطباق آن با شقوق مسئله را در حافظه فعال داشته باشد.
- **محور دوم (مهار تعارضات ظاهری ادله در عقود توثیقی و خدماتی):** تسلط بر متون شرح لمعه در ابواب ضمان، حواله، کفالت، اجاره و شفعه، با تمرکز بر قیود متن (نظیر مفهوم «مطلقاً»، ادله عدم لزوم رضایت محیل در حواله، و تفکیک اجاره اعیان از اشخاص) باید مبنای جمع‌بندی قرار گیرد.
- **محور سوم (پیوند مداوم فقه استدلالی با قانون مدنی):** همگام‌سازی مباحثی همچون کشف حکمی با ماده ۲۵۸ قانون مدنی، احکام اکراه با مواد ۱۹۹ تا ۲۰۷ قانون مدنی، و رژیم نماءات در هبه و معاطات با مواد ۸۰۳ و ۸۰۵ قانون مدنی، امکان حل تست‌های غامض و نوین سناریویی را در کوتاه‌ترین زمان فراهم می‌سازد. کتاب دکترین متون فقه پردازش با کالبدشکافی مفهومی، رصد روند طراحان، و تعبیه کادرهای تطبیقی و جداول جمع‌بندی بصری در هر مبحث، بستری فراهم نموده تا داوطلب از تسلط ایستا به بینش اجتهادی و توان تحلیل تست‌های ترکیبی ارتقا یابد.

به بام خالق هستی

دیبچه

آموزش فقه استدلالی و تسلط بر متون اصیل فقه امامیه، همواره به مثابه شالوده و بنیان نظام حقوقی ایران شناخته می‌شود؛ زیرا روح حاکم بر قوانین مدنی، تجاری و دادرسی، برگرفته از اجتهاد فقهای متقدم و متأخر است. با این حال، شیوه ارزیابی علمی داوطلبان در آزمون‌های ورودی دوره دکتری تخصصی حقوق طی سال‌های اخیر دچار دگرگونی بنیادین و ساختاری شده است. آزمون دکتری دیگر مجالی برای سنجش ترجمه‌های تحت‌اللفظی و بازخوانی‌های حافظه‌محور نیست، بلکه به میدانی برای ارزیابی «بینش اجتهادی»، «توان حل مسئله در بسترهای مرکب قضایی»، «کشف قیود احترازی کلام فقها» و «پیوند ارگانیک میان فقه استدلالی و قانون موضوعه» تبدیل شده است. اثر حاضر با عنوان «دایره‌المعارف تحلیلی حقوق؛ دکترین حقوق (متون فقه)»، برآمده از این ضرورت مبرم آموزشی و پژوهشی است که با رویکردی مهندسی‌شده، نقشه راهی جامع، منقح و راهبردی پیش روی پژوهشگران، قضات، وکلا و به‌ویژه داوطلبان آزمون دکتری حقوق قرار می‌دهد.

روش‌شناسی تدوین و استانداردهای تالیف این اثر سترگ نه یک گردآوری ساده، بلکه ثمره اجرای یک فرآیند پژوهشی پنج‌مرحله‌ای بر پایه داده‌های آماری عینی است: ۱. **تحلیل موشکافانه آزمون‌های دکتری ۶ سال اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵):** در تدوین این مجموعه، تمام پرسش‌های طرح‌شده از سوی سازمان سنجش آموزش کشور در بازه زمانی شش‌ساله اخیر واکاوی، کالبدشکافی و منشأیابی دقیق شده‌اند. هر سؤال با ارجاع به متن عربی اصلی، گزینه صحیح، علل بطلان سایر گزینه‌ها و فنون مدیریت زمان (رد گزینه‌های ۳۰ ثانیه‌ای) کالبدشکافی شده است. ۲. **استخراج جدول فراوانی جامع و بودجه‌بندی آماری:** تعیین وزن و بارم هر مبحث بر اساس تکرار قطعی آن در کنکورهای سنواتی سامان یافته است. بر این مبنا، «کتاب البیع و المتاجر» با ۳۲ سؤال (رتبه اول) و «خيارات و شروط» با ۱۹ سؤال (رتبه دوم) در صدر کانون‌های آزمون قرار گرفته‌اند و سهم نسبی سایر فصول به‌صورت درصدی در نمودارهای مطالعه هدفمند ترسیم گردیده است. ۳. **تطبیق با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم و اسناد بالادستی:** ساختار ابواب ده‌گانه معاملات دقیقاً بر اساس آخرین سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین گشته تا جامعیت مباحث برای آزمون‌های دانشگاهی و جامع دکتری تضمین شود. ۴. **همگام‌سازی با آخرین دگرگونی‌های تقنینی و آرای وحدت رویه قضایی:** یکی از امتیازات بی‌بدیل این مجموعه، حاشیه‌نگاری و پیوست تحلیلی کلیه فصول با قوانین مؤخرالتصویب—به‌ویژه قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول مصوب ۱۴۰۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ و آرای وحدت رویه تاریخ‌ساز دیوان عالی کشور نظیر آرای شماره ۳۰، ۷۳۳ و ۸۱۱—است تا داوطلب تعارض یا هماهنگی فقه سنتی با نظم حقوقی معاصر را درک نماید. ۵. **مهندسی آموزش با الگوی پنج‌ضلعی:** هر مبحث از کتاب بدون استثنا بر اساس ساختار استاندارد شامل: الف) کالبدشکافی مفهومی عمیق، ب) رصد روند

۶ ساله طراحان و گرایش‌های نوین، ج) مهارت‌های مفهومی و کلیدواژه‌ها، د) کادر تطبیقی فقه استدلالی با حقوق موضوعه (مکاتب دکتر کاتوزیان و دکتر شهیدی)، و ه) جدول مقایسه‌ای و جمع‌بندی بصری به رشته تحریر درآمده است.

هندسه محتوایی و تشریح بخش‌های کتاب محتوای این اثر در چهار بخش کلان و ده‌ها زیرفصل تفصیلی طبقه‌بندی شده است تا پوشش‌دهنده جزء به جزء مباحث کتاب‌های «المکاسب» شیخ اعظم انصاری (ره) و «الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية» شهیدین باشد:

- **بخش اول؛ کتاب البیع و المتاجر:** این بخش به حقیقت عقد بیع به «إنشاء تملیک عین به مال»، نقد نظریات تعهد معاوضی خوئی و مصباح‌الفقاهه، عدم وقوع بیع بر منافع و جواز ثمن واقع شدن عمل و منفعت اختصاص دارد. در ادامه، بیع معاطاتی و اسباب لزوم قهری آن بر اثر تلف حقیقی، تلف حکمی (غرق در بحر)، تصرفات مادی دگرگون‌کننده صورت نوعیه (طحن و عجن) در برابر تغییر صفت با بقای حقیقت (خیاطت و صبغ)، و تصرفات ناقل (وقف و بیع) کالبدشکافی شده است. همچنین قواعد تفکیک بایع از مشتری در معاطات فعلیه بر مدار رواج مسکوکات و نقود بررسی گردیده است. شروط متعاقدين شامل اهلیت عامه، نظریه سلب عبارة الصبی، نفوذ تملکات بلاعوض سفیه و صبی ممیز، تفکیک اقرار سفیه در جنایت عمدی از خطایی، و ابعاد اکراه در مکاسب (مسئله «بیع مالی و إلا قتلتک»، اکراه بر قدر مشترک حق و باطل، اکراه کفایی دو شخص بر کار واحد و اکراه بحق توسط حاکم) تشریح شده‌اند. در پایان این بخش، ادله صحت عقد فضولی، بیع الغاصب لنفسه، رد فعلی از طریق تعریض مبیع برای فروش با التفات مالک، انتزاع مال از اصیل، بیع منضم مال خود با مال غیر، و منازعه عمیق کشف و نقل بر نماءات متصل و منفصل به همراه بیع سلف، بیع صرف و بیع العینة موشکافی گردیده است.

- **بخش دوم؛ کتاب الخیارات و احکام الشروط:** این بخش متکفل تبیین خیارات زمانی (مجلس، حیوان، تأخیر ثمن و مبنای ضرری آن)، خیارات عیب و غبن (تحقق غبن بدون خدعه و فریب)، خیار رؤیت در اعیان شخصیه غائبه، خیار تبعض صفقه و اقاله در زمان خیار است. سپس احکام شروط ضمن عقد شامل ضوابط شروط سائغ، ضمانت اجرای تخلف از شرط صفت، تفکیک شروط فاسد غیرمفسد از مفسد، و شروط خلاف مقتضای عقد بر مبنای آرای شیخ انصاری و علامه حلی ارائه شده است.

- **بخش سوم؛ عقود توثیقی و تعهدی در شرح لمعه:** این بخش ابواب رهن (ماهیت وثیقه، شرایط عین مرهونه، بطلان توقیت در رهن و رهن مال مستعار)، ضمان (ارکان، ضمان عهده ثمن و خسارات،

قاعده رجوع به اقل الامرین، و ترامی و تسلسل در ضمانات)، حواله (تحلیل حواله بر بری، استثنای عدم لزوم رضایت محیل در تبرع محال علیه، تعارض اصل برائت با ظاهر اشتغال ذمه، و استیفاء یا اعتیاض بودن حواله به غیر جنس دین) و کفالت (تعهد بالنفس، احکام احضار مکفول و موجبات برائت کفیل) را در بر دارد.

- **بخش چهارم: عقود خدمانی، امانی، مشارکتی و ابواب تکمیلی:** این بخش شامل اجاره اعیان و اشخاص، بقای اجاره با فوت، حدوث عیب در اجرت کلی، جماله با عوض مجهول («من خاط ثوبی فله مال»)، تعدد عوامل، قرض و تخلص از ربای قرضی، صلح بر اسقاط حق سوگند در دعوای تهمت، مضاربه و احکام خرید در ذمه، ودیعه و حدود وجوب دفاع از مال، عاریه و ضمان تلف بر اثر استعمال، شرکت عنان و بطلان شرط عدم تساوی، مزارعه و بطلان مغارسه، وکالت و اطلاق در ثمن المثل، هبه و شرطیت قبض و مسقطات رجوع ناشی از فوت متهب، وقف مشاع، وصایا و لزوم عدالت وصی، شفعه، احکام مالی خلع، خیارات عیوب نکاح و قواعد حل تعارض دعاوی مالی در کتاب القضاء است.

اولویت بندی راهبردی فصول جهت برنامه ریزی مطالعاتی برای بهینه سازی فرآیند آمادگی، فصول کتاب بر اساس ضریب تکرار و بودجه بندی ۶ ساله به ۴ رده اولویت تقسیم شده اند:

- **اولویت اول (بسیار حیاتی - ۳۸٪ کل سؤالات):** بخش اول (البیع و المتاجر) و بخش دوم (الخیارات و الشروط)؛ نیازمند تسلط کلمه به کلمه بر نصوص استدلالی مکاسب در تعاریف، اکراه عاقد و مالک، رد فعلی فضولی، ضوابط تلف عوضین در معاطات و فرمول محاسبه نماءات در نظریه کشف و نقل.
- **اولویت دوم (حیاتی و رتبه ساز - ۱۴٪ کل سؤالات):** بخش سوم (عقود توثیقی و تعهدی: رهن، ضمان، حواله، کفالت)؛ تمرکز بر وجوه افتراق حواله بر بری و ضمان، ادله اشتراط یا عدم اشتراط رضای محال علیه و محیل، و احکام ضمان درک اعیان و منافع.
- **اولویت سوم (تثبیت کننده تراز - ۱۹٪ کل سؤالات):** ابواب تکمیلی معاملات (وکالت، هبه، وقف، وصیت، شفعه، خانواده و دعاوی مالی)؛ تسلط بر احکام مسقطات رجوع در هبه (تنزیل موت به منزله تصرف) و ضوابط ترجیح بینه و سوگند در تعارض دعاوی ملکیت و تصرف.

- **اولویت چهارم (جامع‌نگری - ۲۹٪ کل سؤالات):** عقود خدماتی، اذنی و مشارکتی (اجاره، جعاله، قرض، مضاربه، ودیعه، عاریه، شرکت، مزارعه)؛ تسلط بر استثنائات لزوم و جواز در عقود اذنی و تأثیر شرط مدت بر تصرفات امانی.

ابزارهای تکمیلی پژوهشی در کتاب برای ارتقای اثر به یک مرجع مرجع و تراز اول علمی، سه پیوست بنیادین در انتهای کتاب پیش‌بینی و تعبیه شده است: ۱. **فهرست تحلیلی-موضوعی دقیق (Index):** یک اصطلاح‌نامه الفبایی بسیار ریز و فنی که به داوطلب و پژوهشگر امکان می‌دهد تمام مفاهیم و فروض فقهی (مانند بدل حیلولة، بیع الغاصب لنفسه، تنزیل موت منزله تصرف، تعریض مبیع للبیع، قاعده الساقط لا یعود، اکراه کفایی و غیره) را در کسری از دقیقه بر اساس شماره صفحه بازایی نماید. ۲. **بانک آزمون‌های سنواتی همراه با تحلیل و تکنیک‌های رد گزینه:** درج کلیه تست‌های رسمی دکتری تخصصی حقوق از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ با پاسخ‌های تحلیلی، تشریحی و کلیدواژه‌های طلایی. ۳. **کتابنامه کامل و یکپارچه تمامی منابع فقهی کهن، کتب مرجع دکترین حقوقی، اسناد تقنینی و آرای وحدت رویه قضایی** مورد استناد در متن کتاب.

امید است مطالعه دقیق این اثر تحلیلی و تکیه بر چارچوب علمی آن، روشنایی‌بخش مسیر داوطلبان فرهیخته در آزمون دکتری تخصصی حقوق، ارتقادهنده بینش اجتهادی جامعه حقوقی کشور و باقیات صالحاتی ماندگار برای پدیدآورندگان آن باشد.

گروه مولفین پردازش

پاییز ۱۴۰۵

فهرست مطالب

بخش اول: کتاب البیع و المتاجر (مکاسب و شرح لمعه)

۱.۱: حقیقت بیع، معاطات و اسباب لزوم آن.....	۹
۱.۱.۱: تعریف فقهی بیع به «إنشاء تملیک عین به مال»	۹
۱.۱.۲: ادله صحت بیع معاطاتی و منازعه مبنایی میان	۱۴
۱.۱.۵: تأثیر تصرفات حقوقی ناقل (بیع، هبه، وقف)	۲۶
۱.۱.۶: ضوابط تمییز بایع از مشتری در معاطات فعلیه؛	۳۱
۱.۲: شروط متعاقدين، اهلیت و احکام جامع اکراه.....	۳۸
۱.۲.۱: شرایط عامه اهلیت در متعاقدين (بلوغ، عقل، قصد و اختیار)؛	۳۸
۱.۲.۲: کالبدشکافی احکام اکراه در مکاسب؛ ت	۴۳
۱.۲.۳: احکام اکراه بر احد الامرین؛ ا	۴۹
۱.۲.۴: اکراه بر فعل واحد با الزام کفایی دو شخص	۵۶
۱.۲.۵: اکراه بحق در برابر اکراه بناحق؛ ت	۶۲
۱.۲.۶: اثر رضایت و طیب نفس لاحق مالک	۶۸
۱.۳: بیع فضولی و احکام تفصیلی اجازه و رد.....	۷۵
۱.۳.۱: ادله فقهی صحت عقد فضولی؛	۷۵
۱.۳.۲: منازعه بنیادین کشف و نقل	۸۱
۱.۳.۳: آثار نظریات کشف و نقل بر نماءات و منافع متصل	۸۸
۱.۳.۴: احکام رد صریح و رد فعلی؛	۹۴
۱.۳.۵: احکام بیع فضولی مال غیر منضم به مال خود	۱۰۱
۱.۳.۶: بیع نصف مشاع از مالی که فروشنده مالک نصف آن است؛	۱۰۸
۱.۴: شرایط عوضین و اقسام زمانی و معاوضی بیع.....	۱۱۵
۱.۴.۱: شروط اساسی عوضین؛	۱۱۵
۱.۴.۲: توابع مبیع: احکام دخول حمل در بیع حیوان آبستن	۱۲۰
۱.۴.۳: قاعده نفی غرر و لزوم تقدیر به مکيلات،	۱۲۷
۱.۴.۴: احکام اختصاصی «بیع ما یفسده الاختیار»	۱۳۳

۱۳۹	۱.۴.۵: بیع سلف (سلم):
۱۴۵	۱.۴.۶: حلول دیون مؤجل در بیع سلف با فوت بائع
۱۵۱	۱.۴.۷: احکام بیع صرف:
۱۵۷	۱.۴.۸: اقسام بیع بر پایه اعلام قیمت خرید اولیه
۱۶۳	۱.۴.۹: بیع العینة:
۱۷۰	۱.۴.۱۰: احکام تخلیه و تفریغ مبیع از اموال بائع:
۱۷۶	تست های مروری پیشرفته از «بخش اول: کتاب البیع و المتاجر» (مکاسب و شرح لمعه)
	بخش دوم: کتاب الخيارات و احکام شروط ضمن عقد (مکاسب و شرح لمعه)
۱۸۳	۲.۱: خيارات زمانی، حکمی و ارادی
۱۸۳	۲.۱.۱: خيار مجلس:
۱۸۹	۲.۱.۲: خيار حيوان:
۱۹۴	۲.۱.۳: خيار شرط:
۲۰۰	۲.۱.۴: شرط استثمار:
۲۰۶	۲.۱.۵: خيار تأخير ثمن: شروط تحقق
۲۱۲	۲.۱.۶: مبنای ضروری خيار تأخير ثمن (قاعده لاضرر)
۲۱۸	۲.۱.۷: مسقطات خيار تأخير ثمن:
۲۲۵	۲.۲: خيارات مبتنی بر عيب، غبن، رؤیت و تبعض
۲۲۵	۲.۲.۱: خيار رؤیت و تخلف وصف:
۲۳۱	۲.۲.۲: خيار غبن:
۲۳۸	۲.۲.۳: خيار عيب:
۲۴۶	۲.۲.۴: مسقطات حق رد و ارش در خيار عيب:
۲۵۴	۲.۲.۵: خيار تبعض صفقه:
۲۶۲	۲.۲.۶: احکام اقاله در زمان خيار:
۲۶۹	۲.۳: احکام شروط ضمن عقد در مکاسب شيخ انصاری
۲۶۹	۲.۳.۱: ضوابط شروط سائغ و مشروع:
۲۷۶	۲.۳.۲: ضمانت اجرای تخلف از شرط صفت:
۲۸۳	۲.۳.۳: شروط فاسد غيرمفسد در برابر شروط مفسد:

۲۹۱	 ۲.۳.۴: شروط مفسد و خلاف مقتضای عقد؛
۲۹۹	 تست های تالیفی بخش دوم

بخش سوم: عقود توثیقی و تعهدی در فقه (شرح لمعه)

۳۰۸	 ۳.۱: کتاب الرهن
۳۰۸	 ۳.۱.۱: ماهیت عقد رهن؛
۳۱۵	 ۳.۱.۲: شرایط عین مرهونه؛
۳۲۲	 ۳.۱.۳: بطلان توقیت در رهن؛
۳۲۹	 ۳.۱.۴: احکام رهن عین مستعاره (استعاره للرهن)؛
۳۳۶	 ۳.۲: کتاب الضمان
۳۳۶	 ۳.۲.۱: حقیقت عقد ضمان؛
۳۴۳	 ۳.۲.۳: ضمان عهده؛
۳۵۰	 ۳.۲.۴: ضمان عهده نسبت به خسارات ناشی
۳۵۸	 ۳.۲.۵: احکام رجوع ضامن به مضمون عنه مأذون؛
۳۶۵	 ۳.۲.۷: ترامی و تسلسل در عقد ضمان؛
۳۷۲	 ۳.۳: کتاب الحواله
۳۷۲	 ۳.۳.۱: ارکان حواله؛
۳۷۹	 ۳.۳.۲: استثنای طلایی عدم لزوم رضایت محیل
۳۸۶	 ۳.۳.۳: حواله بر بریء؛ تشابه آن با عقد ضمان و انطباق احکام و آثار نهایی با عقد حواله
۳۹۳	 ۳.۳.۴: تعارض اصل برائت
۴۰۰	 ۳.۳.۵: صحت حواله به غیر جنس دین؛ تحلیل حواله به عنوان «استیفاء» یا «اعتیاض»
۴۰۷	 ۳.۴: کتاب الکفاله
۴۰۷	 ۳.۴.۱: حقیقت کفالت به عنوان «تعهد بالنفس»؛
۴۱۵	 ۳.۴.۲: اسباب انحلال کفالت و برائت کفیل؛
۴۲۰	 ۳.۴.۳: احکام انکار حق توسط کفیل،

بخش چهارم: عقود امانی، مشارکتی، خدماتی و ابواب تکمیلی (شرح لمعه)

۴۲۸	 ۴: عقود خدماتی، معاوضی و اذنی (اجاره، جعاله، قرض، صلح)
۴۲۸	 ۴.۱.۱: کتاب الإجاره؛

۴۳۳	۴.۱.۲: تفکیک احکام اجاره اعیان (اموال) از اجاره اشخاص (اعمال):
۴۳۸	۴.۱.۳: استقرار اجرت المسمی در اجاره با تسلیم
۴۴۳	۴.۱.۴: بقای اجاره با فوت موجر یا مستأجر و
۴۴۹	۴.۱.۵: احکام حدوث عیب در اجرت معین و کلی فی الذمه
۴۵۴	۴.۱.۶: شرط استیفای منفعت به نفس در اجاره و صحت
۴۶۰	۴.۱.۷: کتاب الجعالة؛
۴۶۵	۴.۱.۸: جعالة با عوض مجهول (مانند «من خاط ثوبی فله مال»):
۴۷۱	۴.۱.۹: تعدد عوامل در جعالة بر عمل تکرارپذیر و تکرارناپذیر؛
۴۷۷	۴.۱.۱۰: کتاب القرض؛
۴۸۲	۴.۱.۱۱: تخلص از ربای معاوضی از طریق اقراض
۴۸۷	۴.۱.۱۲: کتاب الصلح؛ صلح بر اسقاط حق ادای سوگند در دعاوی ناشی از قرینه یا تهمت
۴۹۳	۴.۱.۱۳: احکام صلح در فرض تلف مال قیمی و
۴۹۹	۴.۲: عقود امانی و مشارکتی (مضاربة، ودیعه، عاریه، شرکت، مزارعه).
۴۹۹	۴.۲.۱: کتاب المضاربة؛
۵۰۴	۴.۲.۲: احکام خرید عامل در ذمه بدون اذن مالک؛
۵۱۰	۴.۲.۳: احکام شرط مدت و شرط لزوم در عقد مضاربة؛
۵۱۵	۴.۲.۴: کتاب الودیعة؛
۵۲۱	۴.۲.۵: احکام نهی مالک از آب و غلف دادن به حیوان و دیعه‌ای؛
۵۲۶	۴.۲.۶: حدود وجوب دفاع از مال و دیعه‌ای
۵۳۱	۴.۲.۷: کتاب العاریة؛
۵۳۷	۴.۲.۸: احکام نقص و تلف مال معار بر اثر استعمال متعارف و موارد استثنایی ثبوت ضمان
۵۴۳	۴.۲.۹: کتاب الشراكة؛ شرکت عنان،
۵۴۸	۴.۲.۱۰: کتاب المزارعة؛
۵۵۴	۴.۳: ابواب تکمیلی فقه معاملات، وثایق قضایی و خانواده.
۵۵۴	۴.۳.۱: کتاب الوكالة؛
۵۶۴	۴.۳.۲: اطلاق وکالت در بیع و لزوم رعایت ثمن المثل؛
۵۷۲	۴.۳.۳: کتاب الهبة؛ شرطیت قبض،

..... ۵۸۰	۴.۳.۴: احکام هبه نصف مشاع
..... ۵۸۸	۴.۳.۵: کتاب الوقف؛ صحت وقف مال مشاع
..... ۵۹۴	۴.۳.۶: کتاب الوصایا؛ لزوم عدالت وصی
..... ۶۰۲	۴.۳.۷: کتاب الشفعة؛
..... ۶۱۰	۴.۳.۸: احکام مالی طلاق خلع؛
..... ۶۱۷	۴.۳.۹: حل اختلاف زوجین در قدر فدیة طلاق خلع؛
..... ۶۲۴	۴.۳.۱۰: خيارات عیوب نکاح؛
..... ۶۳۱	۴.۳.۱۲: قواعد حل تعارض دعاوی مالی؛
..... ۶۴۰	تست های تالیفی بخش ۴

بخش اول:
کتاب البیع و المتاجر (مکاسب
و شرح لمعه)

۱.۱: حقیقت بیع، معاطات و اسباب لزوم آن

۱.۱.۱: تعریف فقهی بیع به «إنشاء تملیک عین به مال» در برابر تملیک منفعت یا عهد

محض؛ نقد جامع تعاریف مصباح الفقاهاه و شیخ انصاری.

کالبدشکافی مفهومی

در فقه استدلالی امامیه، حقیقت عقد بیع از اصیل‌ترین مباحث کتاب المتاجر محسوب می‌شود. متن مبنایی شهید اول در *اللمعة الدمشقیة* چنین است: «الْبَيْعُ هُوَ انْتِقَالُ عَيْنٍ مَمْلُوكَةٍ مِنْ شَخْصٍ إِلَى غَيْرِهِ بِعَوْضٍ مُقَدَّرٍ عَلَى وَجْهِ التَّرَاضَى». شهید ثانی در *الروضة البهیة* با رویکردی انتقادی متذکر می‌شود که این تعریف، ناظر به اثر بیع (اسم مصدر یا معلول حاصل از عقد) است و بر فعل انشایی عاقد منطبق نیست؛ بنابراین تعریف موجز و منقح بیع را «إِيجَابٌ وَقَبُولٌ يَقِيدَانِ نَقْلَ الْعَيْنِ بِالْعَوْضِ» یا «إِنْشَاءُ تَمْلِیکِ عَيْنٍ بِمَالٍ» قرار می‌دهد. شیخ اعظم انصاری در صدر کتاب *البيع مکاسب*، با ارزیابی تعاریف قدما از جمله مصباح‌المنیر («مبادلة مال بمال») و شرح لمعه، تعریف برگزیده خود را ارائه می‌نماید: «الْبَيْعُ هُوَ إِنْشَاءُ تَمْلِیکِ عَيْنٍ بِمَالٍ». در این تعریف استدلالی، چهار قید بنیادین وجود دارد: ۱. قید «إنشاء تملیک»: بیع را در زمره اعمال حقوقی انشایی قرار داده و آن را از اخبار، اثر خارجی تملیک (ملکیت) و واقعه حقوقی قهری متمایز می‌سازد. ۲. قید «عین»: مبیع را منحصرأ به مال خارجی، کلی در معین یا کلی فی‌الذمه مقید می‌کند؛ به این معنا که متعلق مستقیم تملیک در مبیع باید عین باشد، نه منفعت یا حق مجرد. با این قید، عقد «اجاره» که تملیک منفعت است و «صلح بر اسقاط حق» از شمول بیع خارج می‌شوند؛ هرچند به تصریح فتوای شهید ثانی و شیخ انصاری، عوض (ثمن) برخلاف معوض (مبیع) می‌تواند منفعت یا کار باشد («وَأَمَّا الْعَوْضُ فَلَا إِشْكَالَ فِي جَوَازِ كَوْنِهِ مَنَفْعَةً»). ۳. قید «بمال»: موجب خروج هبه تملیکی، وصیت تملیکی و عاریه از قلمرو بیع می‌گردد؛ زیرا در بیع، انتقال ملکیت در قالب تبادل و معاوضه محقق می‌شود. ۴. مقابله با نظریه «عهد محض»: در نقد آرای مطرح‌شده در *مصباح/الفقاهاه* (تقریر دروس محقق خویی)، این دیدگاه به چالش کشیده می‌شود که بیع صرفاً یک تعهد طرفینی (عهد معاوضی) باشد؛ بلکه حقیقت بیع در مکتب امامیه و دکترین کاتوزیان، انشای اثر مستقیم تملیکی در همان لحظه تراضی است، مگر آنکه مبیع کلی در ذمه باشد که در آن صورت، تملیک در مرحله تعیین مصداق و تسلیم بروز عینی می‌یابد.

رصد روند طراحان و گرایش‌های ۶ ساله آزمون

تحلیل آزمون‌های سنوات ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که طراحان سازمان سنجش، تعریف بیع را از شکل انتزاعی سنتی خارج کرده و آن را در قالب تقابل با سایر عقود و پیوند با مبحث عینیت مبیع محک می‌زنند: تمرکز بر مبیع واقع نشدن منفعت به عنوان یک محور پرتکرار مطرح است و طراحان پیوسته بر این گزاره تأکید دارند که انتقال منافع به صورت مستقل نمی‌تواند عنوان بیع بیابد؛ حتی اگر از لفظ بیع استفاده شده باشد («لو نوى بالبيع الإجارة فإن أوردته على العين بطل... وإن قال بعتك سکنها... فالأصح المنع»). همچنین بر جواز وقوع منفعت به عنوان ثمن تأکید شده و طراحان سؤالاتی را مستقیماً طراحی می‌کنند که بر اساس آن، بایع می‌تواند در قبال تسلیم مبیع، منفعت یا خدمت را به عنوان ثمن مالک شود («الظاهر اختصاص المعوض بالعين، وأما



العوض فلا إشكال فی جواز كونه منفعة». مهار اشتراك لفظی در تملیک و تفكیک دقیق آثار تملیک در عقود مختلف نظیر بیع، اجاره، صلح و قرض از دیگر جهت گیری های با اهمیت طراحان است.

مهار تله های مفهومی

- شاه کلید اول (انحصار مبیع در عین): مبیع در عقد بیع هرگز نمی تواند «منفعت» یا «حق صرف» باشد؛ چنانچه شخصی عبارت «فروختن سکونت این خانه را» انشا کند، بیع باطل است و به اجاره نیز تبدیل نمی گردد مگر با احراز دقیق قصد و تصحیح عبارات.
- شاه کلید دوم (توسعه ثمن): مبیع منحصر باید عین باشد، اما ثمن می تواند «عین»، «منفعت» یا «عمل» باشد. طراح با آوردن گزینه هایی که لزوم عین بودن را به هر دو عوض تعمیم می دهند، دام تستی می چیند.
- شاه کلید سوم (تملیک در برابر عهد): بیع ماهیتاً عقد تملیکی است نه عهدی؛ لذا گزینه هایی که بیع را به تعهد صرف به انتقال مال در آینده تعریف می کنند، مخدوش و انحرافی هستند.
- شاه کلید چهارم (تله ترجمه مبادله): در متون فقهی عبارت «مبادله مال بمال» تعریف اعم است که شامل صلح و معاوضه نیز می شود، در حالی که فصل ممیز بیع، تملیک عین به وجه خاص در برابر ثمن است.

كادر تطبیقی فقه استدلالی لمعه و مكاسب با حقوق موضوعه

ماده ۳۳۸ قانون مدنی دقیقاً از عبارت مكاسب اقتباس شده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». واژه «عین» در این ماده، ناظر به عین معین، کلی در معین و کلی فی الذمه است و تملیک منفعت را از دایره بیع بیرون می راند. در دكترین حقوق مدنی (دكتر ناصر كاتوزیان و دكتر مهدی شهیدی)، تمایز عقد بیع از عقد معاوضه در این است که در بیع، یکی از عوضین ضرورتاً عنوان «مبیع» دارد و متعلق قصد تملیک عین است و عوض دیگر «ثمن» محسوب می شود؛ اما در معاوضه، دو کالا بدون لحاظ عنوان مبیع و ثمن با یکدیگر مبادله می گردند. ماده ۴۶۶ قانون مدنی نیز اجاره را «تملیک منفعت» دانسته که مرزبندی قاطع آن با قید «عین» در تعریف بیع شهید ثانی و شیخ انصاری را به نمایش می گذارد.

پیوست تحلیلی آرای وحدت رویه و قوانین خاص روزآمد

قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول (مصوب ۱۴۰۳): با تصویب این قانون، انشای تملیک عین در اموال غیرمنقول دارای سابقه ثبتی، اثر تملیکی خود را صرفاً از تاریخ ثبت در سامانه ثبت الکترونیک اسناد به دست می آورد. بنابراین، هرچند از منظر فقه سنتی بیع با ایجاب و قبول لفظی یا معاطاتی به تمامیت می رسد، در نظام حقوقی کنونی اثر تملیکی نسبت به املاک ثبت شده منوط به انطباق با این تشریفات آمره قانونی است. در رویه قضایی دیوان عالی کشور در تمایز بیع از صلح نیز در احکام متعدد تأکید شده است که هرگاه موضوع انشا، انتقال حقوق (نظیر حق سرقفلی بدون انتقال عین مستأجره) باشد، توافق حاصله تابع احکام عقد صلح یا قراردادهای موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی است و تسری قواعد اختصاصی بیع مانند خیار مجلس یا خیار تأخیر ثمن به آن ناممکن است.

جدول مقایسه‌ای و جمع‌بندی بصری

شخص تحلیلی	عقد بیع (المتاجر)	عقد اجاره (الإجارة)	عقد صلح (الصلح)	عقد معاوضه
ماهیت انشایی	تملیک معوض عین به مال	تملیک معوض منفعت یا عمل	تسالم و سازش بر تملیک عین، منفعت یا اسقاط حق	مبادله دو مال بدون عنوان مبیع و ثمن
ماهیت موضوع اصلی	منحصراً «عین» (شخصی، کلی فی‌الذمه، کلی در معین)	«منفعت» یا «کار و عمل شخص»	عین، منفعت، دین یا حق مالی قابل انتقال	عین، منفعت یا حق مالی
ماهیت عوض متقابل	عین، منفعت، عمل یا کلی در ذمه	عین، منفعت، کار یا وجه نقد	هر مال یا امتیازی که مورد تراضی باشد	کالا، منفعت یا هر حق مالی
خيارات اختصاصی	مجلس، حیوان، تأخیر ثمن	تعذر تسلیم منفعت، عیب به سیاق خاص	اصولاً خيارات مختص بیع جاری نیست	خيارات مختص بیع در آن راه ندارد

بانک آزمون‌های سنواتی (۵ تست برگزیده از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

تست ۱ (ماهیت مبیع و ثمن، دکتری سراسری ۱۴۰۵، شماره ۲۰۸)

از متن زیر کدام مورد استفاده می‌شود؟

«البيع في الأصل مبادلة مال بمال، والظاهر اختصاص المعوض بالعین، وأما العوض فلا إشكال في جواز كونه منفعة.»

(۱) مبیع باید عین معین باشد، نه کلی در ذمه (۲) مبیع و ثمن هر دو باید عین باشند، نه منفعت (۳) مبیع باید عین باشد اما ثمن می‌تواند منفعت باشد. (۴) مبیع و ثمن باید مالیت داشته باشند اما نوع مال مهم نیست. پاسخ تشریحی: گزینه (۳). متن فقهی تصریح دارد که معوض (مبیع) منحصراً باید عین باشد («اختصاص المعوض بالعین»)، اما در مورد عوض (ثمن)، هیچ اشکالی در اینکه منفعت واقع شود وجود ندارد («فلا إشكال في جواز كونه منفعة»). گزینه‌های ۱ و ۴ با سیاق متن در تضاد هستند و گزینه ۲ نیز جواز ثمن واقع شدن منفعت را



نادیده گرفته است. تکنیک تستی: کلیدواژه «اختصاص المعوض بالعين» مساوی است با «عين بودن مبيع»؛ و عبارت «جواز كونه منفعة» در خصوص عوض مساوی است با «منفعت بودن ثمن».

تست ۲ (فروش منافع در قالب بيع، دکتری سراسری ۱۴۰۱، شماره ۱۳)

«لو نوى بالبيع الإجارة فإن أوردته على العين بطل، لإفادته نقل العين وهو مناف للإجارة وإن قال: بعتك سكنها سنة مثلاً ففي الصحة وجهان مأخذهما أن البيع موضوع لنقل الأعيان والمنافع تابعة لها فلا يثمر الملك لو تجوز به في نقل المنافع منفردة وإن نوى به الإجارة، وإنه يفيد نقل المنفعة أيضاً في الجملة ولو بالتبع فيقوم مقام الإجارة مع قصدتها، والأصح المنع.» به نظر شارح اگر مالک خانه بگوید سکونت خانه را به تو فروختم چه حکمی دارد؟

(۱) بيع واقع می‌شود هر چند اجاره را قصد کرده باشد. (۲) اجاره واقع نمی‌شود اما ممکن است بيع واقع شود. (۳) اجاره واقع نمی‌شود هر چند اجاره را قصد کرده باشد. (۴) اجاره واقع می‌شود حتی اگر اجاره را قصد نکرده باشد. پاسخ تشریحی: گزینه (۳). عبارت پایانی شهید ثانی یعنی «والأصح المنع» پاسخی قطعی به مسأله است. از آنجا که بيع موضوعاً برای نقل اعیان وضع شده است، به کار بردن آن در انتقال منفعت حتی با قصد اجاره صحیح نیست و عقد اجاره نیز به علت عدم استفاده از الفاظ مناسب واقع نمی‌شود. تکنیک تستی: عبارت پایانی «والأصح المنع» نشانگر بطلان وقوع اجاره در این فرض است.

تست ۳ (قابلیت انتقال حقوق به عنوان ثمن، دکتری سراسری ۱۴۰۳، شماره ۲۰۶)

با توجه به متن زیر کدام مورد در خصوص نظر نویسنده درست است؟

«أما الحقوق القابلة للانتقال كحق التحجير فهي وإن قبلت النقل وقوبلت بالمال في الصلح، إلا أن في جواز وقوعها عوضاً للبيع إشكالاً، من أخذ المال في عوض المبيعة لغةً وعرفاً، مع ظهور كلمات الفقهاء عند التعرض لشروط العوضين ولما يصح أن يكون أجرة في الإجارة في حصر الثمن في المال.»

(۱) هر چیزی که بتواند عوض در صلح یا اجاره واقع شود می‌تواند ثمن در بيع قرار گیرد. (۲) حق تحجير می‌تواند اجرت در اجاره واقع شود اما نمی‌تواند ثمن در بيع قرار گیرد. (۳) حق تحجير را نمی‌توان ثمن قرار داد چون مال محسوب نمی‌شود. (۴) حق تحجير را نمی‌توان ثمن قرار داد چون قابل نقل و انتقال نیست. پاسخ تشریحی: گزینه (۳). شيخ انصاری بر این مبنا استدلال می‌کند که در لغت و عرف، در عوضین عقد بيع مفهوم «مال» اخذ شده است («من أخذ المال في عوض المبيعة لغةً وعرفاً»؛ بنابراین در جواز وقوع حقوق به عنوان ثمن اشکال وارد می‌کند، چرا که بر عنوان حق، صدق مال نمی‌کند؛ هرچند در صلح قابل انتقال باشد. تکنیک تستی: پیوند «حصر الثمن في المال» و شبهه در مالیت داشتن حقوق، علت امتناع ثمن واقع شدن حق تحجير است.

تست ۴ (مالیت عرفی و تسلیم مبيع، دکتری سراسری ۱۴۰۵، شماره ۲۰۲)

با توجه به متن زیر در خصوص مالی که در دریا غرق شده کدام مورد درست است؟

«ما يمتنع تسليمه عادة - كالغريق في بحر يمتنع خروجه منه عادة - لا يعد مالاً عرفاً وإن كان ملكاً.»

(۱) مباح محسوب می‌شود و هر کس می‌تواند آن را حيازت و تملك کند. (۲) از نظر عرف مال نیست اما از نظر شرع از ملك مالک خارج نمی‌شود. (۳) مالیت عرفی آن تنها هنگامی از بین می‌رود که مالک از آن اعراض کند.



(۴) چون امکان دسترسی به مال وجود ندارد از نظر عرف و شرع ملکیت آن از بین می‌رود. پاسخ تشریحی: گزینه (۲). متن به صراحت تفاوت میان مفهوم «مالیت عرفی» و «ملکیت شرعی» را بیان کرده است: مالی که به دلیل غرق شدن تسلیم آن ممتنع است، عرفاً مال به شمار نمی‌آید («لا یعد مالاً عرفاً»)، ولی شرعاً کماکان در ملکیت مالکش باقی است («وإن کان ملکاً»). تکنیک تستی: تقابل میان دو عبارت «لا یعد مالاً عرفاً» و «إن کان ملکاً» مستقیماً گزینه ۲ را اثبات می‌کند.

تست ۵ (بطلان فروش اموال نامملوک، دکتری سراسری ۱۴۰۳، شماره ۲۰۸)

در متن زیر بطلان فروش ماهی و حیوانات وحشی به چه دلیل است؟

«ثم إنهم [الفقهاء] احترزوا باعتبار الملكية في العوضين من بيع ما يشترک فيه الناس كالماء والسموك والوحوش قبل اصطيادها؛ لكون هذه كلها غير مملوكة بالفعل.»

(۱) تعلق به عموم مردم (۲) عدم ملکیت (۳) عدم مالیت عرفی (۴) عدم قدرت بر تسلیم پاسخ تشریحی: گزینه (۲). علت صریح ذکر شده در انتهای عبارت برای بطلان بیع مشترکات عمومی قبل از صید و حیات، عدم تملک بالفعل آن‌هاست («لکون هذه كلها غير مملوكة بالفعل») که ذیل شرط «اعتبار الملكية في العوضين» طرح شده است. تکنیک تستی: عبارت پایانی متن «لکون هذه كلها غير مملوكة بالفعل»، علت‌العلل حکم است و گزینه ۲ را تثبیت می‌نماید.

شبیه‌سازی آزمون دکتری (تست‌های تألیفی)

تست تألیفی ۱

شخصی در مقام انشای عقد معوض، خطاب به دیگری می‌گوید: «مَنَاحَ شَجَرِي لَكَ بِهَذِهِ الدَّرَاهِمِ» (میوه و ثمره درختان باغم تا سه سال آینده در ازای این مبلغ معین برای تو باشد) و طرف مقابل قبول می‌کند. وضعیت حقوقی عمل انشای شده و توصیف آن بر مبنای آرای شیخ انصاری و شهید ثانی کدام است؟ (۱) بیع باطل است و اجاره نیز به دلیل مجهول بودن منافع واقع نمی‌شود. (۲) بیع نسبت به ثمره آینده باطل است؛ اما عقد صلح به نحو صحیح منعقد می‌گردد. (۳) بیع صحیح است؛ زیرا ثمره به تبع درختان، در حکم عین آینده بوده و تملیک آن جایز است. (۴) بیع باطل است؛ زیرا متعلق مستقیم مبیع، منافع و ثمرات مستقل است و تملیک مستقل ثمره قبل از وجود، بدون خود عین، از شمول تعریف بیع خارج است. پاسخ تشریحی: گزینه (۴). در تعریف بیع، قید «عین» مانع از آن است که منافع یا حقوق صرف، رأساً و اصالتاً به عنوان مبیع واقع شوند. اگرچه ثمره پس از ظهور عین خارجی است، اما واگذاری حق بهره‌برداری از منافع یا نماءات درختان بدون انتقال خود درخت، خارج از حقیقت بیع تملیکی اعیان بوده و عنوان بیع بر آن صادق نیست و به دلیل فقدان صیغه صلح یا عدم استیفای شرایط اجاره، عمل انشای شده تحت عنوان بیع محکوم به فساد است.

تست تألیفی ۲

اگر فروشنده‌ای خانه‌ای را در برابر تعهد به انجام ۵۰ ساعت خدمات درمانی تخصصی توسط خریدار واگذار نماید، با امعان نظر به تعریف بیع در مکاسب و حقوق مدنی، این توافق واجد چه ماهیتی است؟ (۱) عقد بیع صحیح است؛ زیرا ثمن می‌تواند عمل یا منفعت باشد. (۲) عقد باطل است؛ زیرا در تعریف بیع، هر



دو عوض باید مال عینی باشند. (۳) عقد معاوضه است؛ زیرا با خروج ثمن از دایره اعیان و نقود، بیع محقق نمی‌شود. (۴) عقد صلح است؛ زیرا انجام عمل نمی‌تواند ثمن واقع شود. پاسخ تشریحی: گزینه (۱). مطابق نص کلام شیخ انصاری در مکاسب («وَأَمَّا الْعَوْضُ فَلَا إِشْكَالَ فِي جَوَازِ كَوْنِهِ مَنْفَعَةً») و اصول دکترین حقوق مدنی، اختصاص معوض به «عین» به معنای لزوم عین بودن «ثمن» نیست. ثمن می‌تواند کار، تعهد به فعل یا منفعت باشد؛ بنابراین توافق یادشده مشمول عنوان بیع تملیکی است و صحیح خواهد بود.

۱.۱.۲: ادله صحت بیع معاطاتی و منازعه مبنایی میان «افاده ملکیت متزلزل» و «اباحه مجرده»؛ دیدگاه محقق ثانی در جامع المقاصد و نسبت آن با مشهور قدما.

کالبدشکافی مفهومی

در فقه امامیه، بر مبنای دیدگاه متأخرین و به‌ویژه مکاسب شیخ اعظم انصاری، بیع معاطاتی در ابتدای تکوین خود مفید «ملکیت متزلزل» (عقد جائز حکمی) است؛ بدین معنا که هر یک از متعاطیین اصالتاً حق دارد با رجوع، عین مال خویش را استرداد نماید. با این حال، جواز معاطات یک جواز حقی (مانند خیار فسخ قراردادی) نیست، بلکه یک «حکم شرعی متزلزل» است که بقای آن دائرمدار «امکان بازگشت عین» می‌باشد. متن بنیادین شهید ثانی در شرح لمعه این ضابطه قهری را به تصویر می‌کشد: «يُقْهَرُّ مِنْ جَوَازِ الرَّجُوعِ مَعَ بَقَاءِ الْعَيْنِ عَدَمُهُ مَعَ ذَهَابِهَا، وَيَصْدُقُ بِتَلَفِ الْعَيْنَيْنِ...». هرگاه عین یکی از عوضین یا هر دو عوض به صورت حقیقی (تلف فیزیکی، انعدام و سوختن) یا حکمی (خروج از مالیت عرفی نظیر غرق شدن ناممکن الوصول در دریا یا سرقت غیرقابل دفع) از بین برود، شالوده حق رجوع منعدم شده و لزوم معاطات به نحو «قهری» استقرار می‌یابد. شیخ انصاری در مکاسب منازعه تلف را در دو ساحت بررسی می‌کند: ۱. تلف هر دو عوض: در این فرض به اتفاق فقها، معاطات کاملاً لازم می‌شود؛ زیرا موضوع رجوع در هر دو طرف منتفی است. ۲. تلف احد العوضین: اگر مبیع در دست مشتری تلف شود ولی ثمن نزد بایع باقی باشد (یا بالعکس)، آیا معاطات نسبت به هر دو طرف لازم می‌شود یا فقط نسبت به طرف تلف‌شده؟ شیخ انصاری با نقد اقوال قدما اثبات می‌نماید که تلف یکی از عوضین، موجب لزوم معاطات از هر دو طرف می‌گردد؛ چراکه بیع یک عقد معاوضی به هم پیوسته است و تفکیک لزوم و جواز در دو طرف یک قرارداد واحد (لزوم از یک طرف و جواز از طرف دیگر) برخلاف مقتضای معاوضه است؛ بنابراین بایعی که ثمن در دست او سالم است نیز دیگر حق رجوع به مال خود را ندارد و عقد قهراً لازم می‌گردد. اثر این لزوم قهری، تبدیل تعهد استرداد عین به تعهد به «بدل» (مثل در مثلی و قیمت در قیمی) است.

رصد روند طراحان و گرایش‌های ۶ ساله آزمون

تحلیل آزمون‌های سنوات ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که طراحان همواره تلف را به عنوان قطعی‌ترین سبب لزوم معاطات در تقابل با تصرفات مشکوک (نظیر بریدن، رنگ کردن یا پوشیدن لباس) قرار می‌دهند:

- تقدم تلف و خروج از ملک بر تصرفات مغیر: طراحان در آزمون دکتری ۱۴۰۰ (سؤال ۲۳) دقیقاً بر

عبارت «يصدق بتلف العينين ونقلها عن ملكه» دست گذاشتند تا نشان دهند انعدام عین یا انتقال قطعی آن، برخلاف تغییرات فیزیکی لباس (مانند خیاطت و صبغ که محل تردید است)، اسباب قطعی و بلامنازع لزوم هستند.



- انتقال ضمان معاوضی با تلف: طراحان مسأله تلف مبیع کلی فی الذمه را در برابر تلف عین معین در آزمون‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به چالش کشیده‌اند تا تسلط داوطلب را بر قاعده «الکلی لا یتلف» و انحصار لزوم ناشی از تلف مادی به اعیان شخصی بسنجند.

مهار تله‌های مفهومی

- شاه کلید اول (تلف احد العوضین = لزوم دوطرفه): تلف شدن حتی یک عوض برای لزوم کل معاطات کفایت می‌کند و لزوم به بار آمده، طرف مقابل را نیز پایبند می‌سازد؛ طراح با این ادعای انحرافی که «فقط صاحب مال تلف شده حق رجوع ندارد و صاحب مال باقی مانده می‌تواند رجوع کند»، داوطلب را گمراه می‌سازد.
- شاه کلید دوم (ماهیت تلف حکمی): تلف صرفاً انهدام فیزیکی نیست؛ اگر مالی به قعر دریا سقوط کند که دسترسی به آن عادتاً ممنوع باشد، به نص عبارت فقهی («کالغریق فی بحر یمتنع خروجه منه عادة لا یعد مالاً عرفاً»)، تلف حکمی رخ داده و معاطات لازم می‌شود.
- شاه کلید سوم (جواز حکمی نه خیار حق): چون جواز در معاطات یک «حکم» شرعی مبتنی بر وجود عین است، با تلف عین، موضوع حکم منتفی می‌شود و برخلاف خیارات قراردادی، قابلیت اسقاط یا انتقال به ورثه با حفظ حق استرداد عین را ندارد.
- شاه کلید چهارم (تلف در مال کلی): تلف مصداق تعیین شده در بیع کلی فی الذمه، مصداق تلف مبیع و سبب لزوم معاطات نیست؛ متعهد ملزم به تسلیم فرد و مصداق دیگری از همان کلی است.

کادر تطبیقی فقه استدلالی لمعه و مکاسب با حقوق موضوعه

در قانون مدنی ایران، بر اساس ماده ۱۹۳ و ماده ۲۱۹، عقد بیع معاطاتی از همان لحظه انشا و ایجاب و قبول عملی، «عقدی اصالتاً لازم» است و نیازی به تلف عوضین برای استقرار لزوم ندارد. با این وجود، مبحث «تلف عوضین قبل از قبض» در ماده ۳۸۷ قانون مدنی پیوند ارگانیکی با این قاعده فقهی دارد. مطابق ماده ۳۸۷ ق.م، اگر مبیع پیش از تسلیم تلف شود، عقد منفسخ می‌گردد؛ اما اگر تلف پس از قبض و در دوران خیار یا تزلزل رخ دهد، ضمان معاوضی مستقر شده و تبدیل به بدل می‌گردد. از سوی دیگر، در نهادهایی چون «عقد هبه» که جواز آن در قانون مدنی باقی مانده است (ماده ۸۰۳ ق.م)، بند ۱ این ماده صراحتاً مقرر می‌دارد: «در صورتی که عین موهوبه در ید متهب یا به تصرف او تلف شده باشد»، حق رجوع و اهب ساقط می‌شود؛ که این قاعده مدنی دقیقاً رونوشت قاعده لزوم قهری معاطات بر اثر تلف عین در فقه امامیه است.

پیوست تحلیلی آرای وحدت رویه و قوانین خاص روزآمد

- وحدت ملاک از رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ و ۸۱۱ دیوان عالی کشور: هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مواردی که عین مال از بین رفته یا مستحق‌لگیر درآمده و امکان استرداد عین منتفی است، بر قاعده لزوم جبران خسارت بر پایه قیمت واقعی و قدرت خرید روز تأکید نموده است. در بیع معاطاتی نیز با تلف قهری عین، رابطه به پرداخت بدل عادلانه (قیمت یوم‌التلف یا یوم‌الاداء بر حسب اقوال) تغییر ماهیت می‌دهد.



- قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول (۱۴۰۳): از آنجا که تلف فیزیکی در اموال غیرمنقول (عرضه اراضی) غالباً غیرممکن است و معاملات آن‌ها از شمول معاطات سنتی خارج و به سامانه رسمی مقید شده، دایره شمول لزوم معاطات بر اثر تلف، منحصرأ در بستر تجارت اموال منقول و کالاهای مصرفی استقرار دارد.

جدول مقایسه‌ای و جمع‌بندی بصری

فرض تلف در معاطات	وضعیت حق رجوع طرفین	وضعیت ماهوی عقد معاطات	اثر مالی و ضمانت اجرا
تلف هر دو عوض (تلف حقیقی)	ساقط از هر دو طرف به اتفاق آراء	لازم قهری و قطعی	استقرار نهایی ثمن و مبیع بدون رد و بدل
تلف احد العوضین (نزد یکی از طرفین)	ساقط از هر دو طرف (طبق نظر شیخ انصاری)	لازم قهری نسبت به کل معامله	دریافت‌کننده مال تلف‌شده ضامن مثل یا قیمت است
تلف حکمی (غرق در دریا، مصادره قهری)	ساقط به علت امتناع تسلیم و زوال مالیت عرفی	ملحق به تلف حقیقی و لازم قهری	ثبوت بدل حیلوله یا استقرار قطعی قیمت
تلف مصداق در مبیع کلی فی‌الذمه	حق فسخ یا رجوع ایجاد نمی‌شود	عقد پابرجا و بدون تزلزل است	عدم انفساخ؛ الزام متعهد به تسلیم مصداق دیگر

بانک آزمون‌های سنواتی (۵ تست برگزیده از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

تست ۱ (اسباب قطعی لزوم معاطات، دکتری سراسری ۱۴۰۰، شماره ۲۳)

با توجه به عبارت زیر کدام یک از کارهای زیر به طور قطع موجب لزوم معاطات می‌گردد؟

«یفهم من جواز الرجوع مع بقاء العین عدمه مع ذهابها، و یصدق بتلف العینین ونقلها عن ملكه وبتغییرها كطحن الحنطة، فإنَّ عین المنتقل غیر باقیة مع احتمال العدم. أما لبس الثوب مع عدم تغیره فلا أثر له، و فی صبغه و قصره و تفصیله و خیاطته و نحو ذلك من التصرفات المغيرة للصفة مع بقاء الحقيقة نظر.»

(۱) بردن پارچه (۲) آرد کردن گندم (۳) وقف کردن لباس (۴) رنگ کردن لباس

- پاسخ تشریحی: گزینه (۳). عبارت «عدمه مع ذهابها» اثبات می‌کند که با از بین رفتن و انعدام عین (تلف) یا خارج شدن قطعی آن از ملکیت (وقف یا بیع)، رجوع ممتنع و لزوم قطعی می‌گردد. در



گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ به دلیل بقای حقیقت عین یا وجود قیود مردد مانند «مع احتمال العدم» و «فیه نظر»، لزوم مورد مناقشه است، اما خروج حکمی از طریق وقف به صراحت «نقلها عن ملکه» لزوم قطعی به همراه دارد.

- تکنیک تستی: عبارت «نقلها عن ملکه» در کنار «تلف العینین» دو سبب قطعی و غیرقابل تردید برای لزوم معاطات هستند.

تست ۲ (تلف مبیع قبل از قبض در عین معین، دکتری سراسری ۱۴۰۱، شماره ۵۳)

کدام گزینه صحیح است؟ (۱) اگر بایع برای تسلیم مبیع به مشتری مراجعه و او از قبض امتناع کند تلف از کیسه مشتری خواهد بود. (۲) اگر بعد از بیع و قبل از قبض مبیع مبیع تلف شود بیع منفسخ می‌شود حتی اگر مشتری بایع را وکیل در قبض نموده باشد. (۳) اگر مبیع قبل از قبض تلف شود معامله منفسخ می‌گردد خواه برای تسلیم مبیع اجل معین شده یا نشده باشد و خواه بایع در تسلیم تأخیر کرده یا نکرده باشد. (۴) اگر بایع با ثمن معین کالایی خریداری کرده باشد و سپس مبیع معامله اول قبل از قبض تلف گردد بایع باید عین ثمن را به مشتری بازگرداند.

- پاسخ تشریحی: گزینه (۳). قاعده فقهی «كُلُّ مَبِيعٍ تَلَفَ قَبْلَ قَبْضِهِ فَهُوَ مِنْ مَالِ بَائِعِهِ» ناظر به انفساخ قهری و بی‌قید و شرط است. این قاعده آمره به ضمان معاوضی پیوند خورده و وجود اجل یا تأخیر فروشنده، مانع از حکم انفساخ نمی‌شود. در گزینه ۱ امتناع مشتری بدون اثبات تمکن و تسلیم قانونی رافع ضمان بایع نیست؛ در گزینه ۲ توکیل در قبض به منزله قبض است؛ و در گزینه ۴ با تلف مبیع اول، بیع دوم باطل نمی‌شود بلکه بدل رد می‌گردد.
- تکنیک تستی: تلف مبیع معین قبل از قبض = انفساخ قهری و بطلان معاوضه، بدون توجه به شروط اجل یا تعجیل.

تست ۳ (زوال مالیت عرفی در حکم تلف، دکتری سراسری ۱۴۰۵، شماره ۲۰۲)

با توجه به متن زیر در خصوص مالی که در دریا غرق شده کدام مورد درست است؟

«ما یمتنع تسلیمه عادة - کالغریق فی بحر یمتنع خروجه منه عادة - لا یعد مالاً عرفاً وإن کان ملکاً». (۱) مباح محسوب می‌شود و هر کس می‌تواند آن را حیازت و تملک کند. (۲) از نظر عرف مال نیست اما از نظر شرع از ملک مالک خارج نمی‌شود. (۳) مالیت عرفی آن تنها هنگامی از بین می‌رود که مالک از آن اعراض کند. (۴) چون امکان دسترسی به مال وجود ندارد از نظر عرف و شرع ملکیت آن از بین می‌رود.

- پاسخ تشریحی: گزینه (۲). متن فقهی بر تفکیک دقیق مالیت و ملکیت تأکید دارد. مالی که امکان خارج کردن آن از دریا نیست، در حکم تلف است؛ عرفاً صفت مالیت را از دست می‌دهد («لا یعد مالاً عرفاً»)، اما علقه ملکیت شرعی آن گسسته نمی‌شود («وإن کان ملکاً»). لذا در صورت جریان در معاطات، به دلیل خروج از مالیت و تعذر تسلیم، در حکم تلف بوده و لزوم‌آور است.
- تکنیک تستی: تقابل «لا یعد مالاً عرفاً» با «وإن کان ملکاً» مستقیماً گزینه ۲ را اثبات می‌کند.



تست ۴ (تلف مصداق در مبيع کلی، دکتری سراسری ۱۴۰۴، شماره ۲۶۷)

شخصی یک تن برنج با اوصاف مشخص را از فروشنده خریداری می‌کند و مقرر می‌شود که خریدار فردا برای تحویل مبيع مراجعه کند. فروشنده در روز معامله یک تن برنج را برای تحویل به مشتری جدا کرده در گوشه‌ای از مغازه خود گذاشته و نام مشتری را بر آن می‌چسباند. چنانچه شب برنج‌ها به سرقت رود حکم مسئله چیست؟

(۱) فروشنده موظف است برنج دیگری را طبق اوصاف مقرر به مشتری تحویل دهد. (۲) مشتری می‌تواند معامله را به دلیل خیار تعذر تسلیم فسخ و یا برنج دیگری با همان اوصاف مطالبه کند. (۳) به دلیل اینکه سرقت در حکم تلف است مشمول قاعده تلف مبيع قبل از قبض شده و معامله منفسخ می‌شود. (۴) معامله صحیح است و مشتری می‌تواند برای قیمت برنج خریداری شده خود به فروشنده یا به سارق مراجعه کند.

- پاسخ تشریحی: گزینه (۱). در تعهدات و بیوع کلی، تا زمانی که مبيع به قبض معتبر مشتری نرسیده باشد، تفکیک و جداسازی یک‌جانبه مصداق توسط بايع موجب تخصيص ملکیت و ضمان معاوضی نمی‌گردد. سرقت و تلف مصداق جدا شده، به منزله تلف مبيع نیست و عقد منفسخ نمی‌شود؛ بلکه فروشنده مکلف است فرد سالم دیگری از همان کلی را تهیه و به خریدار تسلیم نماید.
- تکنیک تستی: مبيع کلی فی‌الذمه + تلف یا سرقت مصداق قبل از تسليم = بقای تعهد بايع به تحویل مصداق جدید.

تست ۵ (تلف بعض مبيع و تقسيط، دکتری سراسری ۱۴۰۵، شماره ۲۰۶)

از متن زیر کدام مورد استفاده می‌شود؟

«لو تلف بعض المبيع قبل قبضه، فإن كان مما يقسط الثمن عليه انفسخ البيع فيه في ما يقابله من الثمن.»

(۱) تلف بخشی از مبيع در همه موارد موجب انحلال عقد نسبت به آن بخش است. (۲) تلف بخشی از مبيع قابل تجزیه موجب انحلال عقد نسبت به آن بخش است. (۳) تلف بخشی از مبيع موجب انحلال عقد نسبت به کل مبيع است. (۴) اگر ثمن قابل تقسيط باشد تلف آن در حکم تلف مبيع است.

- پاسخ تشریحی: گزینه (۲). متن فقهی انحلال و انفساخ جزئی را مقید به شرط «فإن كان مما يقسط الثمن عليه» نموده است؛ یعنی مبيع باید دارای اجزای متساوی یا قابل تقسيط ثمن باشد. در این صورت، تلف آن بخش پیش از قبض، سبب انفساخ قهری عقد به همان نسبت می‌گردد. گزینه ۱ به دلیل قید «در همه موارد» و نادیده گرفتن شرط تقسيط باطل است.
- تکنیک تستی: شرط «مما يُقَسَّطُ الثمن عليه» مساوی است با «قابل تجزیه بودن مبيع» و انطباق با گزینه ۲.



شبیه‌سازی آزمون دکتری (تست‌های تألیفی)

تست تألیفی ۱

در یک بیع معاطاتی، «الف» یک رأس اسب اصیل را با ۵۰ تخته فرش دستباف از «ب» مبادله و تقابض می‌نماید. پیش از اعلام هرگونه رجوع یا تراضی لفظی، اسب در اصطبل «ب» بر اثر اصابت صاعقه تلف می‌شود، اما فرش‌ها در انبار «الف» کاملاً سالم باقی می‌مانند. با تکیه بر مبانی مکاسب شیخ انصاری، وضعیت حقوقی و تکالیف طرفین کدام است؟

- (۱) معاطات از طرف «الف» لازم و از طرف «ب» جایز است؛ لذا «ب» می‌تواند با رجوع، فرش‌های خود را پس بگیرد و قیمت اسب را به «الف» بپردازد.
- (۲) تلف احد العوضین معاطات را از هر دو طرف لازم قهری می‌سازد؛ «الف» حق رجوع به فرش‌ها را ندارد و «ب» نیز مالک قطعی فرش‌هاست و تعهدی به پرداخت بدل اسب ندارد.
- (۳) معاطات منفسخ می‌شود؛ «الف» باید فرش‌ها را مسترد کند و «ب» نیز ضامن پرداخت مثل یا قیمت اسب به «الف» خواهد بود.
- (۴) معاطات باطل می‌گردد؛ زیرا با تلف عین، موضوع اباحه منتفی شده و ید «ب» بر فرش‌ها تبدیل به ید غاصبانه می‌شود.

- پاسخ تشریحی: گزینه (۲). بر پایه نظر مختار شیخ اعظم انصاری در مکاسب، بیع معاطاتی یک عقد واحد و بسیط معاوضی است. هرچند پیش از تلف، عقد از حیث امکان رجوع جایز بود، اما به محض تلف یکی از عوضین (اسب)، عقد نسبت به هر دو طرف متصف به لزوم قهری می‌گردد. در نتیجه، نه مالک مال تلف‌شده («ب») و نه مالک مال سالم («الف») هیچ‌کدام حق رجوع ندارند و ملکیت متزلزل اولیه بر فرش‌ها و اسب، به ملکیت قطعی و مستقر تبدیل می‌شود و معاوضه تثبیت می‌گردد.

تست تألیفی ۲

چنانچه مبیع در بیع معاطاتی، کالایی باشد که پس از قبض در ید مشتری، توسط مرجع قانونی به عنوان کالای غیرمجاز ضبط و به نفع دولت معدوم گردد، وضعیت حق رجوع بایع و اثر حقوقی آن بر ثمن موجود نزد وی چگونه است؟

- (۱) ضبط حاکمیتی در حکم عیب است؛ بایع می‌تواند با اخذ ارش، معاطات را بر هم بزند.
- (۲) این واقعه مصداق تلف حکمی مبیع است که موجب لزوم قهری معاطات شده و حق استرداد ثمن توسط مشتری و حق رجوع بایع را ساقط می‌کند.
- (۳) این واقعه به منزله غصب توسط ثالث است؛ معاطات کماکان جایز بوده و بایع می‌تواند با رجوع، ثمن را به مشتری پس داده و برای اخذ مبیع به دولت رجوع کند.
- (۴) به دلیل انتفای موضوع معامله، عقد از ابتدا باطل تلقی شده و ثمن باید عودت داده شود.

- پاسخ تشریحی: گزینه (۲). هرگاه مالی بر اثر احکام حاکمیتی یا خروج قهری از حیطه تصرف از دست برود به گونه‌ای که اعاده فیزیکی آن برای مالک یا متصرف غیرممکن گردد، در فقه معاملات مصداق بارز «تلف حکمی» (انعدام مساوی با تلف حقیقی) تلقی می‌شود. با تحقق تلف حکمی مبیع، موضوع



استرداد عین منتفی شده و معاطات قهراً لازم و مستقر می‌گردد و هیچ‌یک از طرفین حق رجوع به عوضین را نخواهند داشت.

- ۱.۱.۴: تأثیر تصرفات مادی مغیر عین (مانند طحن الحنطه، عجن الدقیق، صبغ و خیاطت ثوب) بر لزوم معاطات و زوال حق رجوع.

کالبدشکافی مفهومی

در فقه امامیه و مباحث کتاب المتاجر مکاسب شیخ انصاری و شرح لمعه شهیدین، پس از بررسی تلف حقیقی و حکمی، محوری‌ترین مسأله در اسباب لزوم معاطات، سنخ‌شناسی «تصرفات مادی دگرگون‌کننده عین» (التصرفات المغیره للعین) است. پرسش بنیادین این است که آیا بقای عین که شرط جواز رجوع در معاطات شمرده شده، ناظر به بقای صورت نوعیه و جمیع اوصاف است یا صرف بقای ماده اولیه و حقیقت عرفی کفایت می‌کند؟ متن تحلیلی شهید ثانی در *الروضه البهیة* این منازعه را در سه سطح متمایز طبقه‌بندی می‌نماید: «...وَبَتَغْيِيرِهَا كَطْحَنِ الْحِنْطَةِ؛ فَإِنَّ عَيْنَ الْمُنتَقِلِ غَيْرُ بَاقِيَةٍ مَعَ احْتِمَالِ الْعَدَمِ. أَمَّا لُبْسُ الثَّوبِ مَعَ عَدَمِ تَغْيِيرِهِ فَلَا أَثَرَ لَهُ. وَفِي صَبْغِهِ وَقَصْرِهِ وَتَفْصِيلِهِ وَخِيَاطَتِهِ وَنَحْوِ ذَلِكَ مِنَ التَّصَرُّفَاتِ الْمُغْيِرَةِ لِلصِّفَةِ مَعَ بَقَاءِ الْحَقِيقَةِ نَظَرٌ». شیخ اعظم انصاری در مکاسب به تفصیل این سطوح سه‌گانه را کالبدشکافی می‌کند: سطح اول، تصرفاتی است که صورت نوعیه شیء را زایل کرده و عرفاً آن را به شیء دیگری تبدیل می‌سازد که از آن به «تغییر مزیل صورت» تعبیر می‌شود؛ مصادیق بارز آن آرد کردن گندم (طحن الحنطه)، خمیر کردن آرد (عجن الدقیق) یا پختن نان (خبز العجین) است. در این موارد، هرچند ماده اصلی (هیولی) باقی است، اما صورت پیشین معدوم شده و عرفاً به آن گندم یا آرد اطلاق نمی‌گردد؛ لذا قول اصح و اقوی، زوال حق رجوع و ثبوت لزوم معاطات است؛ هرچند برخی فقها با تمسک به استحباب بقای حقیقت ماده، احتمال عدم لزوم را مطرح کرده‌اند («مع احتمال العدم»). سطح دوم، تصرفاتی است که وصف عین را دگرگون می‌سازد اما حقیقت و صورت نوعیه آن باقی است («المغیره للصِّفَةِ مَعَ بَقَاءِ الْحَقِيقَةِ»؛ نظیر بریدن پارچه (تفصیل الثوب)، دوختن آن (خیاطت)، رنگ‌آمیزی (صبغ) و سفیدگری/شست‌وشوی ویژه (قصره). در این موارد، شهید اول و دوم با تعبیر «فیه نظر» حکم به لزوم را مردد دانسته‌اند؛ زیرا اگرچه مبیع تغییر یافته، اما اصل لباس یا پارچه معدوم نشده است. با این حال، شیخ انصاری و محقق کرکی بر این باورند که اگر تغییر وصف به گونه‌ای باشد که بازگرداندن عین مستلزم ضرر، عیب یا نقص باشد، قاعده «لاضرر» مانع جواز رجوع شده و موجب لزوم معاطات می‌گردد. سطح سوم، تصرفات مادی متعارف بدون تغییر در اوصاف و حقیقت مال است، مانند پوشیدن متعارف لباس (لبس الثوب) یا سوار شدن بر مرکب، که به اتفاق فقها هیچ اثری در لزوم معاطات نداشته و حق رجوع کماکان باقی است.

رصد روند طراحان و گرایش‌های ۶ ساله آزمون

تحلیل آزمون‌های سراسری دکتری ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ و پاسخ‌نامه‌های تحلیلی کتاب پردازش نشان می‌دهد که طراحان برای طراحی گزینه‌های انحرافی دقیقاً بر مرز میان «تغییر قطعی لزوم‌آور» و «تغییرات مردد دارای نظر فقهی» دست می‌گذارند: در کنکور دکتری ۱۴۰۰ (سؤال ۲۳)، طراح مستقیماً عبارت شهید ثانی را مدنظر قرار داد تا نشان دهد مواردی چون «طحن الحنطه» با قید «احتمال العدم» و مواردی چون «تفصیل و خیاطت و صبغ» با قید «فیه نظر» در متن فقهی همراه شده‌اند، در حالی که انتقال ناقل حقوقی (مانند وقف یا بیع) یا تلف



کل، بدون هیچ تردیدی موجب لزوم قطعی معاطات است. همچنین طراحان پیوند این دگرگونی‌ها را با مسأله ایجاد شرکت ناشی از امتزاج (مانند مخلوط کردن آرد با روغن) و کیفیت بازپرداخت ارش یا اجرت کار انجام‌شده در صورت فسخ یا رد فصولی به آزمون می‌گذارند.

مهار تله‌های مفهومی

- شاه‌کلید اول (تله تفاوت طحن الحنطه با خیاطت ثوب): در آرد کردن گندم صورت نوعیه عرفاً از بین می‌رود و اقوی لزوم است؛ اما در دوختن و رنگ کردن لباس («صبغ، قصر، تفصیل، خیاطه»)، حقیقت عین باقی مانده و تنها صفت تغییر کرده است، لذا شهید ثانی در لزوم آن توقف کرده و عبارت «فیه نظر» به کار می‌برد.
- شاه‌کلید دوم (تله لبس ثوب): صرف استیفای منفعت مادی و پوشیدن لباس بدون دگرگونی در عین («لبس الثوب مع عدم تغییر»)، به هیچ وجه مانع رجوع نبوده و معاطات را لازم نمی‌سازد.
- شاه‌کلید سوم (حکم زیادت ناشی از عمل): اگر تصرف مغیر صفتی ایجاد کند که موجب افزایش قیمت شود (نظیر دوختن پارچه به کت)، در فرض رجوع قائلان به بقای جواز، عین به مالک اول بازمی‌گردد اما متهم یا مشتری به نسبت ارزش افزوده ناشی از عمل خود، با مالک شریک در قیمت می‌شود یا مستحق اجرت عمل و ارش خواهد بود.
- شاه‌کلید چهارم (قاعده لاضرر به عنوان حاکم بر لزوم): هر تصرف مادی که استرداد آن به وضعیت پیشین مستلزم ورود ضرر غیرقابل جبران یا ایجاد نقص فاحش در مال متصرف یا عین گردد، با حکومت قاعده نفی ضرر به سمت لزوم قهری هدایت می‌شود.

کادر تطبیقی فقه استدلالی لمعه و مکاسب با حقوق موضوعه

در قانون مدنی ایران، بیع معاطاتی از بدو انشا عقدی لازم است و تصرفات مادی نقشی در ایجاد لزوم ندارند (مواد ۱۹۳ و ۲۱۹ ق.م). اما رژیم حقوقی تصرفات مادی مغیر عین در دو نهاد مدنی دیگر عیناً بازتاب یافته است: نخست در «عقد هبه»؛ مطابق بند ۲ ماده ۸۰۳ قانون مدنی: «در صورتی که در عین موهوبه تغییری حاصل شود»، حق رجوع واهب ساقط می‌شود. قانون مدنی با تبعیت از نظر محقق ثانی و شیخ انصاری، واژه «تغییر» را به صورت عام به کار برده است که هم تغییر در صورت نوعیه (طحن و عجن) و هم تغییر در اوصاف جوهری (تفصیل و خیاطت) را شامل می‌شود؛ در نتیجه با دوخته شدن پارچه موهوبه، هبه لازم قطعی می‌گردد. دوم در «معامله فضولی و غصب»؛ مطابق ماده ۳۱۴ قانون مدنی: «اگر در مال مغضوب تغییری حاصل شود که موجب ازدیاد قیمت آن باشد، غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر اینکه آن زیادی عین باشد...»، که این ماده دقیقاً ریشه در مسأله تغییر عین و استرداد آن در فقه استدلالی معاملات دارد.

پیوست تحلیلی آرای وحدت رویه و قوانین خاص روزآمد

- وحدت ملاک از آرای شعب دیوان عالی کشور در باب تغییر کاربری و تبدیل عین: شعب حقوقی دیوان عالی کشور در بررسی دعاوی ابطال معاملات و استرداد مبیع اعلام کرده‌اند که هرگاه خریدار در عرصه خریداری شده اقدام به احداث بنا، تغییر کاربری بنیادین، یا تبدیل مواد اولیه به مصنوعات تجاری نموده باشد، اعاده عین به وضعیت پیش از معامله به سبب قاعده «استحاله بازگشت عین



اولیه» و عسر و حرج ناممکن بوده و ذی حق صرفاً استحقاق دریافت قیمت روز یا بدل عادلانه را خواهد داشت.

- قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول (۱۴۰۳): تصرفات مادی فیزیکی (نظیر احداث بنا، تخریب یا دیوارکشی) در املاک و اراضی ثبت شده، هیچ گونه تأثیری در ایجاد مالکیت یا متزلزل ساختن اسناد رسمی ندارد و ادعای لزوم یا تملیک ناشی از تصرف فیزیکی در غیاب ثبت سیستمی، در مراجع قضایی مسموع نخواهد بود.

جدول مقایسه‌ای و جمع‌بندی بصری

نوع تصرف مادی بر عین	مثال فقهی در متن لمعه و مکاسب	وضعیت صورت نوعیه و حقیقت	حکم لزوم معاطات و زوال رجوع	انطباق با ماده ۸۰۳ ق.م. (هبه)
استیفای منفعت ساده	لبس الثوب، ركوب الدابة	صورت و صفت کاملاً باقی است	معاطات لازم نمی‌شود؛ رجوع جایز است	رجوع واهب جایز است
تغییر در صفت با بقای حقیقت	تفصیل، خیاطه، صبغ، قصر الثوب	حقیقت باقی است، صفت دگرگون شده	محل تردید («فیه نظر»؛ متمایل به لزوم	هبه لازم می‌شود (سقوط رجوع)
تغییر مزیل صورت نوعیه	طحن الحنطة، عجن الدقیق، خبز	صورت نوعیه به کلی دگرگون شده	اقوی لزوم قطعی معاطات است	هبه قطعاً لازم می‌شود
امتزاج به نحو غیرقابل تمییز	خلط الزيت، خلط الحنطة بغيرها	هویت فردی سلب و اشاعه حاصل شده	لزوم معاطات به دلیل تعذر رد عین	مسقط قطعی حق رجوع



بانک آزمون‌های سنواتی (۵ تست برگزیده از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

تست ۱ (تصرفات مغیر و لزوم قطعی، دکتری سراسری ۱۴۰۰، شماره ۲۳)

با توجه به عبارت زیر کدام یک از کارهای زیر به طور قطع موجب لزوم معاطات می‌گردد؟
 «بَفْهَمُ مِنْ جَوَازِ الرُّجُوعِ مَعَ بَقَاءِ الْعَيْنِ عَدَمَهُ مَعَ ذَهَابِهَا، وَيَصْدُقُ بِنَلْفِ الْعَيْنَيْنِ وَتَقْلِبِهَا عَنْ مَلِكِهِ وَتَغْيِيرِهَا كَطَحْنِ الْحِنْطَةِ، فَإِنَّ عَيْنَ الْمُنتَقِلِ غَيْرُ بَاقِيَةٍ مَعَ احْتِمَالِ الْعَدَمِ. أَمَّا لِبَسُ الثَّوبِ مَعَ عَدَمِ تَغْيِيرِهِ فَلَا أَثَرَ لَهُ، وَفِي صَبْغِهِ وَقَصْرِهِ وَتَفْصِيلِهِ وَخِيَاطَتِهِ وَنَحْوِ ذَلِكَ مِنَ التَّصَرُّفَاتِ الْمُغْيِرَةِ لِلصِّفَةِ مَعَ بَقَاءِ الْحَقِيقَةِ نَظَرٌ.»

(۱) بریدن پارچه (۲) آرد کردن گندم (۳) وقف کردن لباس (۴) رنگ کردن لباس پاسخ تشریحی: گزینه (۳). طراح سنجش مفهوم قید «به طور قطع» را هدف قرار داده است. در متن عربی، در مورد آرد کردن گندم قید «مع احتمال العدم» (تردید در زوال کامل) و در بریدن، دوختن و رنگ کردن لباس عبارت «فیه نظر» آمده است که لزوم آن‌ها را اجماعی و قطعی نمی‌سازد. اما در خصوص خروج از ملک («نقلها عن ملكه») که مصداق تام آن وقف کردن یا بیع است، لزوم به صورت منجز و قطعی بیان گردیده است. تکنیک تستی: در برابر قیود «مع احتمال العدم» و «فیه نظر»، عبارت «نقلها عن ملكه» لزوم‌آور صددرصدی و قطعی است.

تست ۲ (تغییر مادی پارچه نزد خیاط و اختلاف در اذن، دکتری سراسری ۱۴۰۲، شماره ۱۶)

در فرض مذکور در متن زیر خیاط چه چیزی باید به مستأجر بپردازد؟

«لَوْ اخْتَلَفَا [الْأَجِيرُ وَالْمُسْتَأْجِرُ] فِي كَيْفِيَّةِ الْأَذْنِ فِي الْفِعْلِ كَالْقَبَاءِ وَالْقَمِيصِ بِأَنْ قَطَعَهُ الْخِيَاطُ قَبَاءً، فَقَالَ الْمَالِكُ: «أَمَرْتُكَ بِقَطْعِهِ قَمِيصاً»، حَلَفَ الْمَالِكُ وَإِذَا حَلَفَ الْمَالِكُ يَثْبُتُ عَلَى الْخِيَاطِ أَرَشُ الثَّوبِ مَا بَيْنَ كَوْنِهِ مَقْطُوعاً قَمِيصاً وَقَبَاءً.»

(۱) مابه‌التفاوت بین قیمت قبا و پیراهن (۲) مابه‌التفاوت بین پارچه سالم و پارچه دوخته‌شده (۳) مابه‌التفاوت قیمت پارچه در حالتی که برای قبا و پیراهن بریده شده (۴) مابه‌التفاوت قیمت پارچه در حالتی که برای قبا و پیراهن دوخته شده پاسخ تشریحی: گزینه (۳). این مسأله ناظر به تصرف مادی مغیر (برش و تفصیل پارچه) بدون اذن صحیح است. متن فقهی صراحت دارد که پس از سوگند مالک، خیاط ضامن ارش تفاوت میان حالت بریده شدن پارچه برای پیراهن و بریده شدن آن برای قبا است («أَرَشُ الثَّوبِ مَا بَيْنَ كَوْنِهِ مَقْطُوعاً قَمِيصاً وَ قَبَاءً»). واژه «مقطوعاً» دلالت بر حالت «بریده‌شده» دارد، نه دوخته‌شده. تکنیک تستی: تطبیق واژه «مقطوعاً» در متن با عبارت «بریده شده» مستقیماً گزینه ۳ را تأیید و گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ را رد می‌کند.



تست ۳ (رجوع در وصیت با تصرفات مادی مغیر، دکتری سراسری ۱۴۰۱، شماره ۲۸)

با توجه به متن زیر مخلوط کردن موصی به با جنس مساوی چه حکمی دارد؟
 «بَصِحَ لِلْمُوصِي الرَّجُوعُ فِي الْوَصِيَّةِ قَوْلًا وَفِعْلًا مِثْلَ بَيْعِ الْعَيْنِ الْمَوْصَى بِهَا أَوْ طَحْنِ الطَّعَامِ، أَوْ عَجْنِ الدَّقِيقِ أَوْ خَلْطِهِ بِالْأَجُودِ، بِخِلَافِ الْمَسَاوِي وَالْأَرْدَاءِ... فَإِنْ لَمْ يُحْكَمْ بِكَوْنِهِ رُجُوعًا يَكُونُ مَعَ خَلْطِهِ بِالْأَجُودِ شَرِيكًا بِنِسْبَةِ الْقِيَمَتَيْنِ.»

(۱) تحقق شرکت بین موصی له و ورثه در عین موصی به به نسبت قیمت موصی به و جنس مساوی (۲) تحقق شرکت بین موصی له و ورثه به نسبت قیمت موصی به و جنس مساوی (۳) رجوع از وصیت و تعلق موصی به به ورثه یا موصی (۴) رجوع از وصیت و تعلق موصی به به ورثه پاسخ تشریحی: گزینه (۱). متن فقهی تصریح می کند که تصرفات مادی نظیر آرد کردن گندم یا خمیر کردن آرد، رجوع عملی از وصیت است، اما مخلوط کردن با جنس مساوی یا پست تر بر خلاف اجود، رجوع محسوب نمی شود («بخلاف المساوی والأرداء»); بنابراین چون رجوع محقق نشده، عین موصی به با مال موصی مخلوط مانده و پس از فوت، میان موصی له و ورثه شرکت اشاعه ای به نسبت ارزش دو مال برقرار می گردد. تکنیک تستی: قید «بخلاف المساوی» یعنی خلط با جنس مساوی رجوع نیست؛ عدم رجوع مساوی است با بقای وصیت و وقوع شرکت.

تست ۴ (تغییر مادی مبیع و مسقطات خیار عیب، دکتری سراسری ۱۴۰۴، شماره ۳۵)

«الف» خودروی خویش را به مبلغ صد میلیون تومان به «ب» واگذار می کند و یک ماه بعد «ب» متوجه می شود موتور خودرو در زمان عقد معیوب بوده و متعاقباً با خودرو تصادف کرده و بدنه آن آسیب شدید می بیند. چنانچه تصادف ناشی از عیب خودرو نباشد در وضعیت فعلی حکم قضیه کدام است؟

(۱) خیار فسخ مشتری ساقط شده است. (۲) مشتری صرفاً می تواند با پرداخت مابه التفاوت قیمت بیع را فسخ کند. (۳) خیار فسخ مشتری باقی است و می تواند بیع را فسخ یا ارش دریافت کند. (۴) مشتری می تواند با پرداخت مابه التفاوت قیمت بیع را فسخ یا مطالبه ارش نماید. پاسخ تشریحی: گزینه (۱). مطابق فقه معاملات و ماده ۴۲۹ قانون مدنی، هرگاه در مبیع نزد خریدار تغییر مادی رخ دهد یا عیب جدیدی حادث شود، حق رد (فسخ) ساقط شده و تنها حق مطالبه ارش باقی می ماند. در این مسأله، حدوث تصادف و تغییر وضعیت ظاهری مبیع، سبب انحصار جبران خسارت در ارش و سقوط قطعی خیار فسخ گردیده است. تکنیک تستی: تغییر مادی مبیع یا حدوث عیب جدید = سقوط قطعی خیار رد (فسخ).

تست ۵ (تغییر در عاریه و ضمان تلف، دکتری سراسری ۱۴۰۰، شماره ۹)

با توجه به متن زیر نظر مصنف و شارح در مورد حکم تلف عین مورد عاریه در اثر استفاده چیست؟
 «لَوْ نَقَصَتِ الْعَيْنُ الْمَعَارَةَ بِالِاسْتِعْمَالِ لَمْ يَضْمَنْ الْمُسْتَعِيرُ النَّقْصَ... وَتَقْيِيدُهُ بِالنَّقْصِ قَدْ يُفْهَمُ أَنَّهَا لَوْ تَلَفَتْ بِهِ ضَمْنَهَا وَهُوَ أَحَدُ الْقَوْلَيْنِ فِي الْمَسْأَلَةِ... وَقِيلَ: لَا يَضْمَنُ أَيْضًا كَالنَّقْصِ وَهُوَ الْوَجْهُ.»

(۱) به نظر هر دو موجب ضمان است. (۲) به نظر هر دو موجب ضمان نیست. (۳) به نظر مصنف موجب ضمان نیست اما به نظر شارح موجب ضمان است. (۴) به نظر مصنف موجب ضمان است اما به نظر شارح موجب ضمان نیست. پاسخ تشریحی: گزینه (۴). مصنف (شهید اول) حکم عدم ضمان را منحصرأ مقید به «نقص» کرده که



مفهوم مخالف آن ثبوت ضمان در فرض «تلف ناشی از استعمال» است. اما شارح (شهید ثانی) با عبارت «وهو الوجه» نظر دوم (عدم ضمان در تلف مانند نقص) را اصح و قوی‌تر دانسته است؛ لذا مصنف قائل به ضمان و شارح قائل به عدم ضمان است. تکنیک تستی: عبارت «وهو الوجه» نظر نهایی شارح بر نفی ضمان است و تقیید مصنف مبین ثبوت ضمان در فرض تلف می‌باشد.

شبیه‌سازی آزمون دکتری (تست‌های تألیفی)

تست تألیفی ۱

در یک بیع معاطاتی، خریدار مقدار ۱۰۰۰ کیلوگرم دانه کنجد را تحویل گرفته و پیش از انشای هرگونه عقد لازم، آن را روغن‌کشی نموده و تفاله‌ها را معدوم می‌سازد. در فرضی که فروشنده تقاضای اعمال رجوع و پس گرفتن دانه‌های کنجد را بنماید، بر مبنای تحلیلی مکاسب شیخ انصاری حکم قضیه کدام است؟ (۱) رجوع صحیح است؛ زیرا ماده اصلی روغن در کنجد موجود بوده و خریدار باید عین روغن و بدل تفاله‌ها را مسترد کند. (۲) معاطات لازم شده است؛ زیرا دگرگونی پدیدآمده مزیل صورت نوعیه بوده و عین مبیع به نحو حقیقی یا حکمی معدوم تلقی می‌شود. (۳) رجوع جایز است، اما خریدار می‌تواند به استناد تغییر در صفت، از استرداد روغن امتناع ورزد و صرفاً قیمت روز کنجد را بپردازد. (۴) معاطات منفسخ می‌شود و رابطه طرفین به غضب و ضمان ید تبدیل می‌گردد. پاسخ تشریحی: گزینه (۲). تبدیل دانه کنجد به روغن و تفاله، مصادق بارز «تغییر مزیل صورت نوعیه» (مشابه طحن الحنطة و عجن الدقیق) است. در این حالت، عین مبیع وصف و هویت پیشین خود را از دست داده و بر پایه قاعده «عدمه مع ذهابها»، موضوع رجوع عیناً منتفی است؛ در نتیجه معاطات قهراً لازم گردیده و رجوع بایع مسموع نخواهد بود.

تست تألیفی ۲

چنانچه فردی در بیع معاطاتی پارچه‌ای نفیس را تحویل بگیرد و آن را به خیاط بسپارد تا برای وی قبایی بدوزد، پیش از تحویل قبا توسط خیاط، بایع از معاطات رجوع کند؛ بر مبنای موازنه اقوال در الروضة البهیه، وضعیت حق رجوع بایع و تکلیف دستمزد خیاط چگونه است؟ (۱) رجوع بایع باطل است؛ زیرا خیاطت ثوب به اتفاق فقها از اسباب قطعی لزوم معاطات است. (۲) رجوع بایع مسموع است و بایع باید دستمزد خیاط را مستقیماً بپردازد؛ زیرا عمل در ملک او واقع شده است. (۳) حکم به لزوم یا بقای رجوع به دلیل بقای حقیقت پارچه محل تأمل است («فیه نظر»); و بر فرض جواز رجوع، ارش و اجرت عمل خیاط بر عهده خریدار دستوردهنده مستقر است. (۴) پارچه به صورت مشاع میان بایع، خریدار و خیاط درمی‌آید و معاطات منفسخ می‌گردد. پاسخ تشریحی: گزینه (۳). شهید ثانی در شرح لمعه تصریح دارد که در تصرفات مغیر صفت با بقای حقیقت (نظیر خیاطت و تفصیل ثوب)، حکم به لزوم معاطات محل نظر و تأمل است («وفی صبغه وقصره وتفصیله وخیاطته... نظر»). بر فرض پذیرش جواز رجوع، چون عمل خیاطت به دستور و اذن خریدار در دوران تصرف مشروع وی انجام شده، حق الزحمه عمل یا ارش افزایش قیمت بر دوش خریدار است و ارتباطی به استرداد اصل عین به بایع ندارد.



۱.۱.۵: تأثیر تصرفات حقوقی ناقل (بیع، هبه، وقف) و عروض موت یا جنون متعاقدين بر

جواز و لزوم معاطات.

کالبدشکافی مفهومی

در فقه استدلالی امامیه و ساختار تحلیلی کتاب المتاجر مکاسب شیخ انصاری و شرح لمعه شهیدین، پس از تصرفات مادی، اثر «تصرفات حقوقی ناقل» و «عوارض طاری اهلیت بر متعاقدين» در زمره دقیق‌ترین مباحث اسباب لزوم معاطات و اسقاط حق رجوع است. متن مبنایی شهید ثانی در *الروضة البهیة* این گذار را صراحتاً ذیل عنوان خروج از ملک صورت‌بندی می‌کند: «يُفْهَمُ مِنْ جَوَازِ الرَّجُوعِ مَعَ بَقَاءِ الْعَيْنِ عَدَمُهُ مَعَ ذَهَابِهَا، وَيَصْدُقُ بِتَلَفِ الْعَيْنَيْنِ وَتَقْلُّهَا عَنْ مِلْكِهِ...». در مکاسب شیخ اعظم انصاری، تصرفات حقوقی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. نقل قطعی و لازم (مانند بیع لازم و وقف): این تصرفات به اجماع متأخرین موجب لزوم قطعی معاطات می‌گردند؛ زیرا با خروج کامل عین از حیطة ملکیت متصرف، متعلق رجوع عیناً منتفی است و الزام به رد عین با حق مکتسب ثالث منافات دارد. ۲. نقل متزلزل و جایز (مانند بیع خیاری و هبه غیر خویشاوندی): محل منازعه است؛ شیخ انصاری اثبات می‌نماید که صرف وقوع عقد ناقل، مانع از رجوع مالک اولیه است و وی نمی‌تواند متصرف را ملزم به فسخ بیع خیاری یا رجوع از هبه کند، چرا که اعمال حق فسخ یا رجوع از هبه، حق متصرف است نه تکلیف او. ۳. عروض موت یا جنون متعاطیین: در نصوص شرح لمعه آمده است: «فِي تَنْزِيلِ مَوْتِ الْمُتَهَبِ مَنَزَلَةَ التَّصَرُّفِ قَوْلَانِ: مِنْ عَدَمِ وَقُوعِهِ مِنْهُ، وَمِنْ انْتِقَالِ الْمَلِكِ عَنْهُ بِالمَوْتِ بِفِعْلِهِ تَعَالَى وَهُوَ أَقْوَى مِنْ نَقْلِهِ بِفِعْلِهِ، وَهُوَ أَقْوَى». در معاطات نیز به همین استدلال، عروض موت احد طرفین موجب لزوم قهری عقد می‌گردد؛ زیرا حق رجوع در معاطات یک «حکم شرعی قائم به شخص متعاطی» است نه «حق مالی قابل توارث»، و با مرگ وی، انتقال قهری ترکه به وارث، اقوی از نقل با اراده متوفی است و لزوم را مستقر می‌سازد. در فرض جنون نیز تزلزل برداشته نمی‌شود، اما اعمال رجوع منحصرأ به ولی یا قیم واگذار می‌گردد و جنون به خودی خود مزیل ملکیت و سبب لزوم تلقی نمی‌شود.

رصد روند طراحان و گرایش‌های ۶ ساله آزمون

تحلیل آزمون‌های سنوات ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که طراحان به پیوند میان «اسباب لزوم معاطات»، «موانع رجوع در هبه» و «انتقال قهری ترکه ناشی از موت» توجه ویژه‌ای دارند:

- تنزیل فوت متهب به منزله تصرف ناقل: طراحان در کنکور دکتری ۱۴۰۵ (سؤال ۲۱۴) مستقیماً بر عبارت تحلیلی شهید ثانی پیرامون انتقال ملک به فعل الهی («بانتقال الملك عنه بالموت بفعله تعالى وهو أقوى من نقله بفعله وهو أقوى») دست گذاشتند تا تثبیت نمایند که مرگ، قوی‌تر از تصرفات ارادی ناقل، مانع رجوع و موجب لزوم می‌گردد.
- خروج قطعی از ملک به عنوان مسقط حتمی: در آزمون دکتری ۱۴۰۰ (سؤال ۲۳)، طراح وقف کردن لباس را به عنوان یک تصرف حقوقی ناقل قطعی، در کنار تلف، تنها سبب قطعی و غیرمردد برای لزوم معاطات قرار داد («نقلها عن ملكه»).
- انحلال قهری وکالت در برابر لزوم معاطات با موت: تفکیک آثار فوت در عقود جایز اذنی (نظیر وکالت که منفسخ می‌شود) از عقود جایز حکمی یا تملیکی (نظیر معاطات و هبه که با موت لازم می‌شوند).



فهرست تحلیلی-موضوعی و نمایه جامع اصطلاحات (Index) کتاب دکترین متون فقه

الف

- ابتلای یتامی (آیه ابتلاء): مستند قرآنی عدم استقلال مالی صغیر و آزمون رشد، ۳۸
- اباحه مجرده: منازعه بنیادین با ملکیت متزلزل در حقیقت معاطات، نقد نظریه مشهور قدما، ۱۴
- ابواب تکمیلی فقه معاملات: ساختار موضوعی، ۵۵۴ تا ۶۴۰
- اجاره (کتاب الإجارة): احکام، ۴۲۸؛ تفکیک اجاره اعیان از اشخاص، ۴۳۳؛ استقرار اجرت المسمی با تسلیم عین، ۴۳۸؛ بقای اجاره با فوت متعاقدین، ۴۴۳؛ عیب در اجرت معین و کلی فی الذمه، ۴۴۹؛ شرط استیفای منفعت به نفس، ۴۵۴؛ اجاره مال مشاع، ۳۰
- اجاره سفیه: عدم نفوذ اجیر شدن سفیه در امور مالی بدون اذن قیم، ۴۰
- اجازه در بیع فضولی: ادله صحت، ۷۵؛ شروط مجیز حین عقد و حین اجازه، ۷۵؛ احکام کاشفیت و ناقلیت، ۸۱؛ اجازه جزئی و تبعیض در نماءات، ۹۳؛ اجازه فعلی در تصرفات، ۶۹
- اجبار حاکم (الحاکم ولی الممتنع): اکراه بحق در وفای دین و نفقه، ۶۲؛ الزام زوج ممتنع به بذل مدت در نکاح منقطع، ۶۵؛ فروش مال محتکر، ۶۲
- احکام توقیفیه: ثمرات منازعه کشف و نقل بر احکام توقیفیه، ۸۱، ۸۸
- اخذ به شفعه (کتاب الشفعة): مهلت سه‌روزه احضار ثمن، ۲۹، ۶۰۲؛ بطلان عقود لاحقه با اخذ به شفعه، ۳۰، ۶۰۲؛ ثبوت شفعه برای مفلس، ۲۷
- الأخذ أعم من الرد: قاعده اصولی در عدم ملازمه میان قبض فیزیکی مال و انشای رد معامله، ۹۲، ۹۴
- اراده انشایی (قصد انشا): رکن رکن عقد، ۹؛ تفکیک آن از رضا، ۴۳؛ اراده انشایی صبی ممیز، ۳۸؛ زوال آن در اکراه مادی، ۴۴
- ارش: ارش عیب در مبیع، ۲۴۶؛ ارش تفصیل و خیاطت ثوب در فرض اختلاف، ۲۳؛ ارش عیب ناشی از امتزاج، ۲۱؛ سقوط ارش، ۲۴۶
- استرداد مبیع فضولی: عدم توقف استرداد بر انشای رد، ۹۲، ۹۴
- استصحاب: استصحاب بقای حقیقت عین، ۲۰؛ استصحاب عدم زیاده در فدیة خلع، ۲۹؛ استصحاب برائت در تعارض با ظاهر حواله، ۲۷



- استثمار (شرط استثمار): حقیقت فقهی و احکام استثمار با ثالث در خیار شرط، ۲۰۰
- استیفای منفعت بنفسه: شرط مباشرت در اجاره و صحت واگذاری به ثالث، ۴۵۴
- اسباب لزوم معاطات: تلف حقیقی و حکمی، ۱۴؛ تصرفات مادی مغیر، ۲۰؛ تصرفات ناقل حقوقی و عروض موت، ۲۶
- اشاعه: احکام اشاعه در عین، منفعت و حق، ۲۷، ۹۰؛ بیع مال مشاع، ۱۰۸؛ وقف مال مشاع، ۵۸۸
- اضطرار: تمایز بنیادین آن از اکراه، ۴۴، ۵۱؛ صحت و نفوذ معامله مضطر، ۴۴، ۵۲
- اطلاق وکالت: انصراف به ثمن المثل و نقد رایج، ۲۷، ۵۶۴
- اعاره للدفن: عدم جواز رجوع مالک پس از طم میت، ۲۸، ۵۳۱
- اکراه (کتاب البیع و شروط المتعاقدين): احکام جامع، ۴۳؛ اکراه عاقد دون الممالک («بع مالی و إلا قتلک»)، ۴۳؛ اکراه مالک دون العاقد، ۴۴؛ اکراه بر احد الامرين، ۴۹؛ اکراه بر قدر مشترک حق و باطل، ۴۹؛ اکراه کفایی دو شخص بر کار واحد، ۵۶؛ اکراه بحق در برابر اکراه بناحق، ۶۲؛ اثر رضایت لاحق بر معامله مکره، ۶۸؛ اکراه مادی ملجئ در برابر اکراه معنوی، ۴۴
- امانت مالکی و شرعی: ید امانی مستودع و مستعیر، ۲۴، ۵۱۵، ۵۳۱؛ تبدیل ید امانی به ضمانی با تعدی، تفريط و خروج از حرز، ۲۷
- امتزاج: امتزاج به عنوان سبب شرکت در اعیان، ۲۷، ۹۰؛ لزوم معاطات در فرض خلط غیر قابل تمییز، ۲۲؛ خلط موصی به با مساوی و اردا، ۲۴
- انکار حق توسط کفیل: احکام سوگند و برائت کفیل با رد یمین، ۲۷، ۴۲۰
- اهلیت متعاقدين: بلوغ، عقل، قصد و اختیار، ۳۸؛ شروط اصیل و مجیز حین عقد و حین اجازه، ۷۵
- ب
- بدل حیلوله: ثبوت بدل با تعذر تسلیم و تلف حکمی، ۱۶
- بلوغ: شرط عامه اهلیت، ۳۸؛ احراز رشد در امور مالی، ۳۹
- بطلان از رأس (بطلان ذاتی): بطلان ناشی از اکراه مادی، ۴۴؛ بطلان بیع سفهی، ۴۱؛ بطلان فروش منافع در قالب بیع، ۱۲؛ بطلان شرط ممتنع و مفسد، ۲۶۹
- «بع مالی و إلا قتلک»: کالبدشکافی عبارت، اثبات صحت و نفوذ بیع با اکراه عاقد و رضایت مالک، ۴۳، ۴۶، ۵۳



- **بیع (کتاب البیع و المتاجر):** تعریف فقهی، ۹؛ لزوم عینیت معوض، ۹؛ جواز منفعت بودن ثمن، ۹، ۱۱؛ اقسام بیع به اعتبار اعلام ثمن، ۱۵۷؛ بیع سلف، ۱۳۹؛ بیع صرف، ۱۵۱؛ بیع العینة، ۱۶۳؛ بیع ما یفسده الاختیار، ۱۳۳؛ بیع مشاع، ۱۰۸
- **بیع سفیهانه:** تمایز آن از بیع غبنی و حکم بطلان قطعی، ۳۹، ۴۱
- **بیع صرف:** لزوم تقابض فی المجلس، ۲۷، ۱۵۱؛ تبایع النقدین ثانیاً در مجلس و انقطاع خیار مجلس، ۲۸، ۳۵
- **بیع الغاصب لنفسه:** تحلیل اراده انشایی غاصب، لغو بودن قصد تملک ثمن و صحت مراعی معامله برای مالک، ۷۵، ۸۰
- **بیع فضولی:** ادله صحت، ۷۵؛ شروط متعاقدين، ۷۵؛ منازعه کشف و نقل، ۸۱؛ توزیع نماءات، ۸۸؛ احکام رد صریح و فعلی، ۹۴؛ بیع مال غیر منضم به مال خود، ۱۰۱
- **بیع معاطاتی:** ادله صحت و نفوذ، ۱۴؛ اسباب لزوم، ۱۴؛ تمیز بایع از مشتری، ۳۱
- **تبایع العرضین:** ضوابط تمیز بایع از مشتری در تبادل کالا با کالا، ۳۲، ۳۴
- **تبعض صفقه (خیار تبعض صفقه):** احکام تقسیط ثمن، ۲۵۴؛ جریان در بیع فضولی منضم، ۷۶، ۷۸، ۸۱، ۹۱؛ عدم اختصاص به بیع، ۲۵۴
- **تخلیه و تفریغ مبیع:** احکام زرع درو نشده در زمین مبیعه و عدم استحقاق اجرت، ۲۸، ۱۷۰
- **تخلص از ربا:** اقراض و ابراء یا هبه متقابل در عقد قرض، ۳۰، ۴۸۲
- **تخلص به توریه:** اثر التفات و تمکن از توریه بر صدق اکراه، ۵۰
- **تصرفات مادی مغیر:** طحن الحنطه، ۲۱؛ عجن الدقیق، ۲۱؛ خیاطت و صبغ ثوب، ۲۱؛ مرز میان زوال صورت نوعیه و تغییر صفت با بقای حقیقت، ۲۲
- **تصرفات ناقل حقوقی:** وقف، ۲۶، ۲۹؛ بیع قطعی و خیاری، ۲۶؛ هبه، ۲۶؛ اثر آن در لزوم معاطات و رد فعلی فضولی، ۲۸، ۹۵
- **تعدد مکره و مورد اکراه:** ابعاد چهارگانه وحدت و تعدد، ۵۶؛ اکراه بر فعل واحد با الزام کفایی، ۵۶
- **تعریض مبیع برای فروش:** تحقق رد فعلی در فرض التفات و علم به عقد فضولی، ۹۱، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰
- **تلف احد العوضین:** لزوم دوطرفه معاطات به نظر شیخ انصاری، ۱۴، ۱۹
- **تلف حقیقی و حکمی:** مصادیق غرق در دریا و مصادره قهری، ۱۵، ۱۷؛ اثر آن در لزوم معاطات، ۱۶

ت



- تلف قبل از قبض: قاعده ضمان معاوضی («کل مبيع تلف قبل قبضه فهو من مال بائعه»)، ۱۷؛ تلف مبيع کلی فی الذمه و عدم انفساخ، ۱۸
 - تمليك عين به مال: فصل مميز تعريف بيع در مكاسب و لمعه، ۹
 - توليه (بيع التولية): شرایط اعلام رأس المال و احكام آن، ۳۰، ۱۵۷
- ج
- جامع المقاصد: دیدگاه محقق ثانی در افاده ملکیت معاطات، ۱۴
 - جایز حکمی: جواز در معاطات به عنوان حکم شرعی قائم به وجود عین در برابر جواز حقی، ۱۴
 - جذام: عیب مشترک موجب حق فسخ نکاح برای زوجه به طریق اولی، ۲۸
 - جعالة (كتاب الجعالة): ماهیت، ۴۶۰؛ عوض مجهول («من خاط ثوبی فله مال»)، ۴۶۵؛ تعدد عوامل در عمل تکرارپذیر و تکرارناپذیر، ۲۶، ۴۷۱؛ جعالة از طرف اجنبی، ۲۸
 - جنون: مانع اهلیت انشا و سبب بطلان، ۳۸؛ عروض جنون در معاطات و عدم زوال تزلزل، ۲۷
- ح
- حاکم شرع: ولایت بر اموال ممتنع در اکراه بحق، ۶۲؛ استیفا از اموال غائب و مفلس، ۶۲؛ ولایت بر طلاق و بذل مدت در عسر و حرج، ۶۳
 - حجر: حجر سفیه، ۳۸؛ حجر صبی، ۳۸؛ حجر مفلس، ۲۷؛ حجر مجنون، ۳۸
 - حق تحجیر: عدم جواز وقوع به عنوان ثمن در بیع به دلیل حصر ثمن در مال، ۱۲
 - حقوق غیرمالی: نفوذ اقرار و تصرفات سفیه در امور غیرمالی، ۳۸، ۴۱
 - حمل مبيع: عدم دخول حمل در بیع حیوان مگر با شرط صریح، ۲۶، ۱۲۰
 - حواله (كتاب الحوالة): ارکان، ۳۷۲؛ حواله بر بری، ۳۸۶؛ عدم لزوم رضای محیل در تبرع محال علیه، ۳۰، ۳۷۹؛ تعارض اصل برائت و ظاهر اشتغال در حواله، ۲۷، ۳۹۳؛ صحت حواله به غیر جنس دین، ۲۹، ۴۰۰
 - حیازت: حیازت به عنوان سبب شرکت در اعیان و عدم جریان در منافع و حقوق، ۲۷، ۹۰
- خ
- خلع (احکام مالی طلاق خلع): اشتراط کراهت زوجه، ۲۹، ۶۱۰؛ بطلان بذل و وقوع طلاق رجعی در فرض عدم کراهت، ۲۹، ۶۱۰؛ اختلاف در قدر فدیة و تقدیم قول زوجه با اصل عدم زیاده، ۲۹، ۶۱۷
 - خلط موصی به: عدم تحقق رجوع از وصیت با خلط با مساوی و اردا، ۲۴



- **خيارات (كتاب الخيارات):** مباحث زمانی، حکمی و ارادی، ۱۸۳ تا ۲۶۸
 - **خيار تأخير ثمن:** شروط تحقق، ۲۰۶؛ مبنای قاعده لاضرر، ۲۱۲؛ مسقطات خيار، ۲۱۸؛ عدم جریان در معاوضه، ۳۳، ۳۵
 - **خيار تبعض صفقه:** ر.ک. تبعض صفقه
 - **خيار حيوان:** اختصاص به مشتری، ۳۱، ۱۸۹
 - **خيار رؤيت:** شرایط اعمال در عين شخصيه غائبه، ۲۲۵؛ عدم جریان در مبيع کلی فی الذمه، ۲۲۵؛ اشتراط عدم رويت سابق، ۲۶
 - **خيار شرط:** احکام، ۱۹۴؛ جعل خيار برای اجنبی، ۳۱؛ شرط استئمار، ۲۰۰؛ اقاله در زمان خيار، ۲۷، ۲۶۲
 - **خيار صفت (تخلف وصف):** ضمانت اجرای تخلف از شرط صفت، ۲۷۶
 - **خيار غبن:** تعريف فقهي، تحقق غبن با جهل طرفین بدون فريب و خدعه، ۳۱، ۲۲۵
 - **خيار عيب:** احکام ارش و رد، ۲۲۵؛ مسقطات حق رد و ارش، ۲۴۶؛ حدوث عيب بعد از قبض در يد مشتری، ۳۱، ۲۴
 - **خيار مجلس:** اختصاص به بيع، ۳۰، ۱۸۳؛ انقطاع خيار با تصارف ثانوی در بيع صرف، ۲۸، ۳۵
- د
- **درک (ضمان درک):** ضمان درک مبيع و ثمن، ۳۴۳؛ ضمان درک ما يحدثه المشتري فی الأرض (بناء و غرس)، ۲۷، ۳۵۰
 - **دفع ضرر:** قاعده نفی ضرر در لزوم معاطات مغیر، ۲۱؛ مبنای ضرری خيار تأخير ثمن، ۲۱۲
 - **ديه جنایت خطایی سفیه:** عدم نفوذ اقرار سفیه در جنایت مستلزم ديه بر ذمه خود، ۳۸، ۴۱
- ر
- **رد صريح:** انشای قولی فسخ و بطلان معامله فضولی از حین عقد، ۹۴
 - **رد فعلی:** تعريف و مصادیق؛ تصرفات منافی با ملکیت مبيع (فروش، وقف، هبه)، ۹۴؛ تعريض مبيع برای فروش با التفات به عقد، ۹۱، ۹۴، ۱۰۰؛ انتزاع مبيع از اصیل، ۹۲، ۹۵
 - **رشد:** شرط اهلیت تصرف در امور مالی، ۳۸
 - **رضایت لاحق (اجازه متأخر):** اثر آن در تصحیح معامله مکروه، ۶۸؛ مقایسه با اجازه در بيع فضولی، ۶۸؛ اثبات ترجیح کشف بر نقل در الحاق رضا، ۶۸



- رفع القلم (حدیث رفع): مستند حجر صبی و فقدان قلم تکلیف، ۳۸
 - رفع ما استکروهوا علیه (حدیث رفع اکراه): مستند رفع اثر وضعی و تکلیفی از فعل مکره، ۴۳، ۶۲
 - رهن (کتاب الرهن): ماهیت توثیقی، ۳۰۸؛ شرایط عین مرهونه، ۳۱۵؛ بطلان توقیت در رهن («شرط کونه مبیعاً عند الأجل»)، ۲۶، ۳۲۲؛ رهن عین مستعاره (استعاره للرهن)، ۲۷، ۳۲۹؛ رهن ما يتسارع إليه الفساد، ۳۰
- ز
- زوال صورت نوعیه: ضابطه تغییر مادی مزیل صورت (طحن و عجن) در لزوم قطعی معاطات، ۲۱، ۲۳
- س
- سفاهت (سقیه): حجر در امور مالی، ۳۸؛ صحت تصرفات غیرمالی، ۳۸؛ صحت تملکات بلاعوض، ۳۸، ۴۰؛ اقرار به قتل عمد، ۳۸، ۴۱؛ بطلان بیع سقیه، ۳۹، ۴۱
 - سلب عبارة الصبی: منازعه فقهی پیرامون مسلوب الاثر بودن کلام صبی ممیز، ۳۸
 - سلم (بیع سلف / سلم): شرایط تقدیر به کیل و وزن، ۲۷، ۱۳۹؛ عدم کفایت مشاهده، ۲۷؛ جواز سلم حالاً، ۲۶؛ حلول دیون مؤجل در سلم با فوت بایع، ۳۰، ۱۴۵
 - سوء اختیار: گزینش مبیع در اکراه بر قدر مشترک حق و باطل و خروج از دایره اکراه، ۵۰، ۵۵
- ش
- شرط استثمار: ر.ک. استثمار
 - شرط ضمن عقد (کتاب الشروط): ضوابط شروط سائغ و مشروع، ۲۶۹؛ شرط صفت و ضمانت اجرای تخلف از آن، ۲۷۶؛ شروط فاسد غیر مفسد در برابر شروط مفسد، ۲۸۳؛ شرط خلاف مقتضای عقد، ۲۸؛ شرط غیر سائغ و بطلان به دلیل اخلاف در تراضی یا جهل به ثمن، ۲۸
 - شرکت (کتاب الشركة): اسباب اشاعه (ارث، عقد، حیات، امتزاج)، ۲۷، ۹۰؛ شرکت عنان، ۲۷، ۵۴۳؛ بطلان شرط عدم تساوی در سود و زیان برخلاف نسبت سرمایه، ۲۷
 - شروط متعاقدين: بلوغ، عقل، قصد و اختیار، ۳۸
 - شفعه: ر.ک. اخذ به شفعه
 - شهادت (کتاب الشهادات): شهادت بر وکالت به جعل مالی و تبعض شهادت، ۲۷؛ شهادت بر عیب و اذن، ۲۳
- ص
- صبی ممیز: اهلیت انشاء، ۳۸؛ عدم نفوذ معاملات مالی بدون اذن ولی، ۳۸؛ نفوذ در تملکات بلاعوض، ۳۸؛ اجرای صیغه عقد به عنوان وکیل در لفظ، ۳۹

- **صرف: ر.ک. بیع صرف**
- **صلح (کتاب الصلح):** ماهیت، ۴۸۷؛ صلح بر اسقاط حق سوگند در دعاوی ناشی از قرینه یا تهمت، ۲۸، ۴۸۷؛ احکام صلح بر زیاده و نقصان در اتلاف مال قیمی و شبهه ربا، ۲۸، ۴۹۳؛ تمایز صلح بر انتقال حق از بیع، ۱۱
- ض**
- **ضمان (کتاب الضمان):** حقیقت عقد ضمان (نقل ذمه)، ۳۳۶؛ عدم اعتبار رضایت یا قبول مضمون عنه در عقد ضمان، ۲۹، ۳۳۶؛ احکام رجوع ضامن به مضمون عنه مأذون به اقل الامرین، ۳۰، ۳۵۸؛ ترامی و تسلسل در ضمان، ۳۶۵؛ ضمان عهده ثمن و درک احداث بنا، ۲۷، ۳۴۳، ۳۵۰
- **ضمان معاوضی:** قاعده تلف مبیع قبل از قبض، ۱۷؛ انتقال ضمان با قبض، ۷۹؛ ضمان معاوضی در بیع کلی فی الذمه، ۱۸
- **ضمان ید (قاعده علی الید):** ید ضمانی غاصب و مشتری فضولی در فرض رد معامله، ۷۴، ۸۰، ۹۵
- ط**
- **طلاق خلع: ر.ک. خلع**
- ع**
- **عاریه (کتاب العاریه):** ماهیت اذنی، ۵۳۱؛ عاریه برای رهن (استعاره للرهن)، ۲۷، ۳۲۹؛ عدم ضمان نقص ناشی از استعمال متعارف و اختلاف در تلف، ۲۷، ۲۴، ۵۳۷؛ عدم جواز رجوع در اعاره برای دفن پس از خاکسپاری، ۲۸
- **عاقد مکره:** نفوذ و صحت معامله در فرض اکراه عاقد و رضایت مالک («بیع مالی و إلا قتلک»، ۴۳، ۴۶
- **عقد فضولی: ر.ک. بیع فضولی**
- **عقد معاطات: ر.ک. بیع معاطاتی**
- **عقد معاوضه:** ماهیت در برابر بیع، ۱۱، ۳۳؛ مبادله کالا با کالا بدون قصد ثمنیت، ۳۲، ۳۴؛ عدم جریان خیارات مختص بیع در آن، ۳۳، ۳۶
- **عقود امانی و مشارکتی:** مضاربه، ودیعه، عاریه، شرکت و مزارعه، ۴۹۹ تا ۵۵۳
- **عقود توثیقی و تعهدی:** رهن، ضمان، حواله و کفالت، ۳۰۸ تا ۴۲۷
- **عقود خدماتی:** اجاره، جعاله، قرض و صلح، ۴۲۸ تا ۴۹۸
- **عین (لزوم عینیت مبیع):** قید جوهری تعریف بیع در مکاسب و لمعه، ۹؛ بطلان فروش منافع به عنوان مبیع، ۱۲



- عینه (بیع العینه): احکام نسیه به نقد و شرط خرید مجدد توسط بایع و بطلان آن، ۲۸، ۱۶۳
- غ
- غرر (قاعده نفی غرر): لزوم تقدیر مبیع به کیل، وزن یا شمارش، ۱۲۷؛ غرر نوعی در برابر غرر شخصی و لزوم کیل در فرض تساوی قیمتی، ۱۲۷
- غرامات مشتری جاهل: قاعده غرور («المغرور یرجع إلی من غره»، ۸۹؛ جبران کاهش ارزش ثمن با رد بیع فضولی، ۸۹
- غصب: احکام غصب مبیع قبل از قبض از بایع، ۲۷؛ بیع الغاصب لنفسه، ۷۵، ۸۰؛ تصرف در مال معصوب و تغییر صورت نوعیه، ۲۱، ۹۴
- ف
- فضولی: ر.ک. بیع فضولی
- فوت (اثر فوت در عقود): سبب لزوم در معاطات و هبه (تنزیل موت متبهب منزله تصرف به دلیل انتقال بفعله تعالی)، ۲۶، ۲۹؛ سبب انفساخ در عقود اذنی و وکالت متفقین، ۲۹؛ حلول دیون مؤجل در سلم، ۳۰؛ بقای عقد اجاره، ۴۴۳؛ بقای عقد مزارعه، ۲۷
- ق
- قاعده اقدام: تأثیر اقدام بر ضرر مالی در نفی ضمان تسلیط صبی، ۴۱
- قاعده لاضرر: حکومت لاضرر بر لزوم معاطات در تصرفات مغیر دارای نقص، ۲۱؛ مبنای ضرری خیار تأخیر ثمن، ۲۱۲
- قبض: شرطیت قبض در هبه، ۵۷۲؛ شرطیت قبض در بیع صرف، ۲۷، ۱۵۱؛ اثر قبض در تملک قرض، ۲۷، ۴۷۷؛ قبض فضولی در مال کلی و عدم انفساخ، ۷۹، ۹۲
- قدر مشترک بین حق و باطل: الزام به ادای دین واجب یا بیع مال و خروج از اکراه مفسد، ۴۹، ۵۲
- قرض (کتاب القرض): ماهیت، ۴۷۷؛ تملک با قبض یا تصرف، ۲۷؛ عدم لزوم شرط اجل در عقد جایز قرض، ۲۷، ۵۱۰؛ تخلص از ربای قرضی با اقراض و ابراء متقابل، ۳۰، ۴۸۲
- قصاص سفیه: نفوذ اقرار سفیه به قتل عمد و استیفای فوری قصاص نفس و عضو، ۳۸، ۴۱
- ک
- کفالت (کتاب الکفالة): حقیقت کفالت (تعهد بالنفس)، ۲۷، ۴۰۷؛ عدم اشتراط رضای مکفول، ۲۷؛ اسباب انحلال و براءة کفیل با فوت مکفول، ۳۰، ۴۱۵؛ استثنای شهادت بر عین مکفول، ۳۰؛ انکار حق و رد سوگند، ۲۷، ۴۲۰



- **کشف (منازعه کشف و نقل):** تعریف نظریه کشف، ۸۱؛ کشف حقیقی و اشکال شرط متأخر، ۸۲؛ کشف وصفی، ۸۲؛ کشف حکمی، ۸۲؛ انطباق با ماده ۲۵۸ قانون مدنی، ۸۳؛ توزیع نماءات دوران تخیل، ۸۴، ۸۹
- **کلی در ذمه (مبیع کلی):** عدم تلف مبیع کلی با تلف مصداق جداشده، ۱۸؛ عدم جریان خیار رؤیت در مبیع کلی، ۲۲۵؛ تملیک در مرحله تسلیم و مصداق، ۱۰
- ل **لزوم معاطات:** اسباب لزوم قهری با تلف عینین یا احد العوضین، ۱۴، ۱۶؛ تصرفات مادی مزیل صورت نوعیه، ۲۱؛ تصرفات ناقل ملک، ۲۶؛ عروض موت، ۲۶
- م **ماده ۲۵۶ قانون مدنی:** بیع مال خود منضم به مال غیر، ۷۶
- **ماده ۲۵۸ قانون مدنی:** اتخاذ نظریه کشف حکمی در نماءات معامله فضولی، ۸۳، ۸۹
- **ماده ۸۰۳ قانون مدنی:** تطبیق اسباب سقوط حق رجوع در هبه با لزوم معاطات، ۱۵، ۲۱، ۲۷
- **ما یفسده الاختیار:** جواز خرید بطیخ، جوز و بیض بدون شکستن و احکام ارش و استرداد کل ثمن در فساد، ۲۸، ۱۳۳
- **مزارعه (کتاب المزارعه):** لزوم عقد، ۲۷، ۵۴۸؛ بقای عقد با فوت عامل، ۲۷؛ بطلان مغارسه، ۲۸؛ تعیین بذر در فرض اطلاق، ۳۰
- **مضاربه (کتاب المضاربه):** ماهیت، ۴۹۹؛ خرید عامل در ذمه بدون اذن مالک و وقوع آن برای خود عامل، ۲۷، ۵۰۴؛ شرط مدت و شرط لزوم، ۲۷، ۵۱۰؛ عدم جواز خرید عامل از مال رب المال، ۳۰
- **معاطات:** ر.ک. بیع معاطاتی
- **معاوضه:** ر.ک. عقد معاوضه
- **مفلس:** ثبوت حق شفعه برای مفلس، ۲۷؛ عدم تأخیر تقسیم اموال مفلس به دلیل دیون مؤجل، ۲۹
- **مغارسه:** بطلان عقد مغارسه و احکام قلع درختان و ارش، ۲۸
- **منازعه دعاوی مالی (کتاب القضاء):** تنازع در جدار بین صاحب علو و سفلی، ۲۷؛ تنازع در ثوب و تنصیف با تحالف، ۲۸؛ تداعی در ملکیت دابه، ۶۴۰
- **منفعت:** عدم امکان وقوع به عنوان مبیع، ۹، ۱۱؛ جواز وقوع به عنوان ثمن، ۹، ۱۱، ۳۳؛ تملیک معوض آن در اجاره، ۱۰
- **موت:** ر.ک. فوت



ن

- نقل (نظریه نقل): تبیین نظریه مشهور قدما در بیع فضولی، ۸۱؛ توزیع نماءات از حین اجازه، ۸۴، ۸۸
- نقلها عن ملکه: خروج مال از ملکیت به عنوان سبب قطعی و بلا منازع لزوم معاطات و سقوط رجوع، ۲۹، ۲۳، ۲۶
- نماءات متصل و منفصل: نماء متصل تابع عین، ۸۸؛ نماء منفصل در دوران تخلل بر مبنای کشف و نقل، ۸۸، ۹۳؛ نماءات در رجوع از هبه، ۳۰، ۸۴

و

- واجب کفایی: تشبیه اکراه کفایی دو شخص بر کار واحد به الزام تخییری یک شخص بر دو کار، ۵۶، ۵۹
- وثیقه دین: امکان تحقق وثیقه با ودیعه و عاریه از طریق تقاص در جحود، ۲۶
- ودیعه (کتاب الودیعة): ماهیت، ۵۱۵؛ تحقق با قبض فعلی، ۲۸؛ نهی مالک از آب و علف دادن به دابه و نفی ضمان، ۲۷، ۵۲۱؛ وجوب دفاع از مال ودیعه، ۵۲۶؛ خروج از حرز و اعاده به آن، ۲۷
- وصایت (کتاب الوصایا): احکام وصی، ۵۹۴؛ لزوم عدالت وصی و استناد به آیات نبأ و نهی از رکون به ظالم، ۲۸، ۵۹۴؛ ادعای ورثه بر ظن قلت موصی به در مازاد بر ثلث، ۲۸؛ رجوع قولی و فعلی از وصیت، ۲۴
- وکالت (کتاب الوکالة): ماهیت، ۵۵۴؛ اطلاق وکالت در بیع و لزوم ثمن المثل، ۲۷، ۵۶۴؛ انعزال با عزل خود مطلقاً و لزوم علم در عزل موکل، ۳۰؛ انفساخ وکالت متفقین با فوت یکی از وکلا، ۲۹؛ عدم اثبات وکالت با تصدیق غریم در دین و عین، ۲۸؛ تقدیم قول وکیل امین با سوگند در اختلاف تصرف، ۲۸
- وقف (کتاب الوقف): ماهیت، ۵۸۰؛ صحت وقف مال مشاع، ۲۷، ۵۸۸؛ عدم اشتراط اذن شریک در قبض و تخلیه وقف مشاع، ۲۷؛ فروش مال موقوفه در فرض خوف خرابی، ۲۸
- هبه (کتاب الهبة): ماهیت، ۵۷۲؛ شرطیت قبض، ۵۷۲؛ رجوع بعد از اقباض، ۸۴؛ نماءات متصل و منفصل در رجوع، ۸۴؛ تنزیل فوت متهم منزله تصرف مانع رجوع («وانتقال الملك عنه بالموت بفعله تعالى وهو أقوى»)، ۲۶، ۲۹؛ هبه نصف مشاع مهر قبل از دخول، ۲۸

ی

- «یزید علی قیمته مع جهل الآخر»: ضابطه تحقق فقهی خیار غبن در مکاسب، ۳۱
- یمین (سوگند قضایی): سوگند منکر در دعاوی مالی و سقوط دعوا مع بقای حق، ۲۹؛ سوگند در نفی زیاده در قدر فدیة خلع، ۲۹؛ صلح بر اسقاط حق سوگند، ۲۸، ۴۸۷

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها و آثار فقهی و حقوقی

- ابن منظور، م. (۱۹۹۳). *لسان العرب* (جلد ۱۵). دار صادر.
- امامی، ح. (۱۳۷۶). *حقوق مدنی* (جلدهای ۱ تا ۳). انتشارات اسلامی.
- انصاری، م. (۱۴۲۰ ق). *کتاب المکاسب: المحرمة، البیع، الخيارات* (جلد ۶). کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- توحیدی، م. ع. (۱۴۱۲ ق). *مصباح الفقاهة فی المعاملات: تقریرات درس آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی* (جلد ۷). دار الهماد.
- حرّ عاملی، م. (۱۴۰۹ ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة* (جلد ۳۰). مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
- حلی، ح. (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء* (جلد ۱۴). مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
- حلی، ح. (۱۴۱۳ ق). *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام* (جلد ۳). دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شهید اول، م. (۱۴۱۴ ق). *الدروس الشرعية فی فقه الإمامية* (جلد ۳). دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شهید اول، م. (۱۴۰۸ ق). *القواعد والفوائد فی الفقه والأصول والعربية* (جلد ۲). مکتبة المفید.
- شهید اول، م. (۱۴۱۷ ق). *اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية*. دار الفکر.
- شهید ثانی، ز. (۱۴۱۰ ق). *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية* (جلد ۱۰). دار احیاء التراث العربی.
- شهیدی، م. (۱۳۸۶). *اصول قراردادها و تعهدات*. انتشارات مجد.
- شهیدی، م. (۱۳۸۶). *تشکیل قراردادها و تعهدات*. انتشارات مجد.

- شهیدی، م. (۱۳۸۶). سقوط تعهدات. انتشارات مجد.
- فیومی، ا. (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. دار الهجرة.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۳). دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها (جلدهای ۱ تا ۵). شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی (قرارداد - ایقاع). شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). دوره عقود معین: عقود تملیکی (بیع، معاوضه، اجاره، قرض، صلح، جعاله). شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). دوره عقود معین: عقود وثیقه‌ای و اذنی (رهن، ضمان، حواله، کفالت، ودیعه، عاریه، شرکت، مضاربه، وکالت). شرکت سهامی انتشار.
- کرکی، ع. (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (۱۳ جلدی). مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.

ب) قوانین، مقررات و اسناد رسمی تقنینی

- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۴۰۳). قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۰۷). قانون مدنی ایران (با اصلاحات و الحاقات بعدی). روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۱۱). قانون تجارت ایران (با لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷). روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۱۹). قانون امور حسبی. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۵۶). قانون اجرای احکام مدنی. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران.

- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۵۷). *قانون افراز و فروش املاک مشاع*. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۴). *قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

ج) رویه قضایی و آرای وحدت رویه

- دیوان عالی کشور. (۱۳۶۴). *رأی وحدت رویه شماره ۳۰: تفکیک سن بلوغ شرعی از احراز رشد در تصرفات مالی و غیرمالی صغار و اشخاص غیررشید* (مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۰۳). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- دیوان عالی کشور. (۱۳۹۳). *رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳: قلمرو ضمان درک مبیع و نحوه جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش ثمن با کشف بطلان بیع فضولی* (مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۵). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- دیوان عالی کشور. (۱۴۰۰). *رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱: تعیین غرامت واقعی و ارزش روز اموال مشابه در صورت مستحق‌الغیر در آمدن مبیع و رد مالک* (مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- دیوان عالی کشور. (۱۳۹۰-۱۴۰۴). *مجموعه آرای اصراری و شعب حقوقی در تمایز اکراه از اضطرار، ارزیابی تصرفات ناقله در بیع فضولی و رژیم حقوقی استرداد منافع*. اداره کل امور اسناد و تنقیح قوانین قوه قضائیه.

د) متون مقدس، منابع روایی مأثوره و اسناد آزمونی

- قرآن کریم. (سوره‌های مبارکه نساء، مائده، هود و حجرات).
- سازمان سنجش آموزش کشور. (۱۳۹۹-۱۴۰۵). *دفترچه‌های رسمی سؤالات و پاسخنامه‌های تخصصی آزمون ورودی دوره‌های دکتری نیمه متمرکز حقوق (کدهای ۲۱۵۴ و ۲۱۵۷، دوره‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)*. سازمان سنجش آموزش کشور؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- نصوص مأثوره و قواعد فقهی استنادی برگرفته از جوامع روایی (احادیث رفع، رفع قلم، عروة بن جعد بارقی، صحیح محمد بن قیس، موثق اسحاق بن عمار، و قواعد فقهی ضمان ید، لاضرر، تسلیط، غرور، اقرار العقلاء، تلف مبیع قبل از قبض، عمد الصبی و اتلاف).